

مؤلفه‌های الهام بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام: مطالعه سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه

سید محمدجواد قربی^۱

چکیده

کشورها در پرتو شناسایی و عملیاتی ساختن مؤلفه‌های قدرت در سطوح ملی و بین‌المللی، سعی در کسب منزلت و پرستیژ بین‌المللی دارند و از آنجایی که تحول گفتمانی قدرت و رویکرد نوین کشورها در عرصه سیاست خارجی به ابزار قدرت، اهمیت قدرت نرم را دو چندان ساخته است. جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد مؤلفه‌های تولیدکننده قدرت نرم خویش را مورد بررسی قرار دهد و با سیاستگذاری‌های مناسب، نفوذ و اقتدار بین‌المللی خویش را بیفزاید. یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر قدرت نرم ایران در سطح ملی و بین‌المللی، الهام بخشی می‌باشد که بعد از انقلاب اسلامی مورد توجه دولتمردان ایرانی بوده است و در اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین مقاله حاضر سعی دارد به بررسی مؤلفه‌های الهام بخش جمهوری اسلامی بپردازد و تأثیر آن را بر ارتقاء قدرت نرم ارزیابی نماید و به‌صورت موردی، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه را بررسی نماید. در همین راستا، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی سعی می‌گردد به این سوال پاسخ داده شود که، مؤلفه‌های الهام بخشی جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه که در حفظ و ارتقاء قدرت نرم جامعه ایرانی موثر هستند، کدامند و چگونه بر توانمندی نرم‌افزاری ایران می‌افزایند؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که الهام بخشی انقلاب اسلامی و به تبع آن جمهوری اسلامی ایران اشاره به گزینش سیاست‌های مسالمت‌آمیز و نرم‌افزاری دارد که مترصد ترویج و اشاعه ارزش‌ها، مبانی و اهداف انقلاب اسلامی و جامعه ایرانی در کشورهای منطقه و جهان اسلام می‌باشد و در عین حال، ارتباط معناداری بین مؤلفه‌های الهام بخشی ایران در جهان اسلام با قدرت نرم وجود دارد و مؤلفه‌های الهام بخشی در سیاست‌های کلی این برنامه شامل: توسعه دانایی محور، ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی، ارائه سبک زندگی اسلامی- ایرانی، فرهنگ و معارف دینی، توسعه هویت اسلامی- ایرانی، علم و فناوری می‌شود که توانمندی و ظرفیت قدرت نرم جامعه ایرانی را در جهان اسلام ارتقاء می‌دهند.

کلید واژه‌ها: قدرت نرم، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، جهان اسلام، الهام بخشی، سبک زندگی، هویت اسلامی- ایرانی، علم و فناوری، توسعه دانایی محور.

مقدمه

«ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشم‌داشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست. روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پر فراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را ببینند و تمام آزادیخواهان باید با روشن‌بینی و روشنگری، راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی‌خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. من با اطمینان می‌گویم اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت می‌نشانند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.» (امام خمینی، جلد ۲۰: ۳۲۵)

با توجه به تحولات جهانی جهان اسلام، نزدیکی جوامع مسلمان به مثابه ضرورتی تعیین‌کننده در عرصه بین‌المللی احساس می‌شود؛ این در حالی است که قدرت نرم به مثابه چهره‌ای جدید از اعمال قدرت در سطح بین‌المللی مطرح می‌شود که با تأکید بر بنیان‌های ناملموس قدرت، بیانگر لزوم به‌کارگیری شیوه‌هایی مقبول و در عین حال، مشروع‌تر در جهت حصول به اهداف در حوزه سیاست خارجی است. در فضای دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با در نظر گرفتن اهداف ارزشی خود در خصوص سایر جوامع اسلامی از منابع قدرت نرم بهره‌گیری کند (جمشیدی و گهروی، ۱۳۹۳: ۶۱). در عین حال، اولین دایره‌ی عمق استراتژیک ایران، به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی، جهان اسلام است. این‌که چگونه اسلام می‌تواند تبدیل به یک مکتب سیاسی-اجتماعی شود تا بتواند پاسخگوی نیازهای امروز امت اسلامی باشد، برای جهان اسلام مهم است. ایران به دلیل پیام و ارزش‌هایی که بر آنها تأکید می‌کند، توانسته در جهان اسلام و امت اسلامی الگو و الهام‌بخش باشد و عمق استراتژیک ایجاد کند. حمایت توده‌های مردم و نفوذ قدرت نرم جمهوری اسلامی در جغرافیای جهان اسلام، مصونیت دیگری را برای دفاع در مقابل قدرت نرم و سخت ایجاد کرده که غرب علیه این انقلاب اعمال می‌کند. بنابراین استفاده از قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعیت سیاست‌های انقلاب اسلامی را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد، که در برگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و فکری است. ارزش‌هایی نظیر مردم‌سالاری دینی و کمک‌های بشر دوستانه به نهضت‌های راه‌یابی‌بخش و ارتقای توانمندی‌های علمی و فرهنگی کشور را می‌توان در زمره موارد اهتمام به قدرت نرم برشمرد. البته باید توجه داشت که قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی چیزی بیش از ترغیب و یا تهییج ملت‌ها بوده است، چرا که علاوه بر آن در بردارنده مفهوم توانایی جذب افراد نیز می‌باشد که عموماً به موافقت و رضایت منجر می‌گردد (جهان بین و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

باید توجه داشت که اسلامی بودن جمهوری اسلامی و جهانشمولی اهداف و ارزش‌های آن باعث گردید تا سیاست خارجی ایران در محدوده‌ی اهداف و آرمان‌های ملی محصور نماند، بلکه شاخص‌های قدرت

نرم انقلاب اسلامی در فراسوی مرزهای جغرافیایی ایران به صورت اهداف فراملی، امکان ایفای نقش مؤثر آن را اجتناب ناپذیر سازد. به تعبیر اسپوزیتو، «انقلاب ایران با الهام از ایدئولوژی اسلامی که داعیه‌دار سعادت و خوشبختی تمام جهانیان است، طبیعی بود که نتواند در محدوده‌ی جغرافیایی ایران توقف نماید و می‌بایست پیام آن و امواجش در درجه‌ی اول، به ملت‌های مسلمان، کشورهای همسایه و سپس به همه‌ی ملت‌های مستضعف جهان برسد. از این رو، صدور انقلاب از همان روزهای نخست، مورد توجه مسئولان قرار گرفت و بدین ترتیب، صدور انقلاب به مفهوم صدور اندیشه و عقاید انقلاب که منبعت از دین مبین اسلام است، در برنامه‌ی کار انقلابیان قرار گرفت» (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۲۶۱ و ابوالفتحی، ۱۳۹۳: ۴۱). با این اوصاف، گفتمان قوی انقلاب اسلامی ایران نیز قوی‌ترین ابزار هنجارساز و تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام بوده و اثرات تعیین‌کننده آن مورد اذعان موافقان و مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. مؤلفه‌های تمدن و فرهنگ، ارزش‌های دینی، رسانه و آموزش و رفتار سیاسی، منابع قدرت نرم را تشکیل می‌دهند و برنامه‌های فرهنگی ایران در جهان اسلام نیز بر همین مبانی استوار است (حسینی، ۱۳۹۲: ۶۷۹).

با توجه به این ظرفیت‌های الهام بخشی و زمینه‌های بازتولید قدرت نرم برای جمهوری اسلامی ایران، این مقاله سعی دارد به بررسی مؤلفه‌های الهام‌بخش ایران بپردازد و تأثیر این مؤلفه‌ها بر ارتقاء قدرت نرم جامعه ایرانی در بعد داخلی و خارجی را مورد مذاقه قرار دهد و برای این منظور، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران به طور موردی نیز بررسی می‌گردد. از آنجایی که در این سیاست کلی برنامه ششم و در بند امور دفاعی و نظامی به ارتقاء ظرفیت‌های قدرت نرم ایران تأکید شده است و یکی از مؤلفه‌های مرتبط با قدرت نرم در این سند توسعه، الهام بخشی می‌باشد، این مقاله جامعه آماری خویش را سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه برگزیده است و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی مترصد پاسخگویی به این سؤال است؛ مؤلفه‌های الهام بخشی جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه که در حفظ و ارتقاء قدرت نرم جامعه ایرانی کدامند و چگونه بر توانمندی نرم‌افزاری ایران می‌افزایند؟ برای پاسخ به این سؤال، لازم است به سؤالات فرعی زیر پاسخ دهیم؛ الهام بخشی به چه معناست و چه ارتباطی با قدرت نرم دارد؟ قدرت نرم نظام اسلامی شامل چه مؤلفه‌هایی می‌باشد و تأثیر آن بر جهان اسلام چگونه ارزیابی می‌شود؟ مؤلفه‌های الهام بخشی در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه کدامند و عملکرد آنها بر جهان اسلام چگونه ارزیابی می‌شود؟ مفروض مقاله حاکی از آن است که در سیاست‌های کلی نظام و اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران، مؤلفه‌های فراوانی برای الهام بخشی وجود دارد که زمینه‌های تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌آورند. سازماندهی پژوهش به این قرار است که در بخش اول به بررسی دو مفهوم قدرت نرم و الهام بخشی پرداخته می‌شود و ارتباط نظری آنها تبیین و بررسی می‌شود و در بخش دوم، مؤلفه‌های الهام بخشی در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۱. چارچوب نظری، قدرت نرم و الهام بخشی

۱.۱. قدرت نرم، معنا و مفهوم

«قدرت اسلام فوق قدرت‌های مادی ابرقدرت‌هاست. می‌بینید که این قدرت است که مشت را در مقابل تانک و مسلسل قرار داده است و پیرزن‌ها را به خیابان‌ها کشانیده است و بچه‌های کوچک را به تکاپو واداشته است. این قدرت مذهب و معنویت است؛ اتکا ما به خداوند و به معنویت است و هیچ قدرتی در عالم نمی‌تواند در مقابلش بایستد. همان‌طور که ملتی که به چنین قدرتی متکی است، در برابر تمام قدرت‌ها می‌ایستد» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۵: ۲۹۰).

قدرت یکی از مباحث مهم در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود (Baldwin, 2002: 273-297) و مفهومی ماهیتاً مجادله‌انگیز است؛ زیرا رابطه‌ای ذاتی و ماهوی میان دال و مدلول قدرت وجود ندارد و مفهوم قدرت، مصداق‌های خود را در گفتمان‌های مختلف می‌جوید (رهبری، ۱۳۸۵: ۱۱۷). در رویکرد سنتی به قدرت، که توسط متفکران مکتب واقع‌گرایی به خوبی نظریه‌پردازی گردیده، بر اجبار از طریق ابعاد مادی قدرت تأکید شده و منابع قدرت عمدتاً با رفتار دستوری مبتنی بر اجبار و زور، تشویق یا تطمیع اقتصادی همراه است. در این تصویر از قدرت، که از سوی اندیشمندانی همچون هابز و ماکیاولی ارائه می‌شود، در واقع، قدرت به توان اعمال سلطه از سوی یک بازیگر به دیگر بازیگران برای تمکین از خواست وی تعبیر می‌شود (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۷). میشل فوکو در مباحث تبارشناسانه خود، سه چهره قدرت، «قدرت گفتمانی»، «قدرت دیسپلینی» و «قدرت مشرف بر حیات» را مورد مطالعه قرارداد. از نظر فوکو، قدرت گفتمانی یا قدرت حاکم قدرتی است که به جای آن که بر بدن‌ها اعمال شود، بر روی زمین، بر دارایی‌های جامعه اعمال شده و مستقل از کنش و واکنش با پیکر جامعه که ملت را می‌سازد و هویت خود را با آن یکی می‌داند، تداوم می‌یابد. در مجموع، دوران مدرن، به ماهیت قدرت و چیستی آن که با دولت مرتبط بوده و نحوه تنظیم رابطه میان دولت یا جامعه مدنی یا چگونگی توزیع قدرت پرداخته می‌شود (عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

ظهور بازیگران غیردولتی، وابستگی متقابل اقتصادی، فرافناوری‌ها (Keohane and Nye, 1998) و توسعه شبکه‌های هوشمند ارتباطی، نشانگر دوران تازه‌ای از سیاست جهانی است. در چنین وضعیتی، توانمندی معطوف به زور، به مثابه رکن اصلی قدرت در مکاتب واقع‌گرایانه، مورد نقد جدی قرار گرفته و تعبیر نوینی در مفهوم و کاربرد قدرت ایجاد شده است (قربانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۵). به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد قدرت با یک تحول گفتمانی مواجه گردیده (Vasquez, 1998) و به چهره نرم‌افزاری آن توجه ویژه‌ای شده است و دولتمردان سعی دارند از ابعاد ایجابی قدرت استعانت جویند (متقی، ۱۳۹۱ و مهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ۱۷۰). بنابراین، تحلیل قدرت به نیرو (ابزار و امکانات) بدون توجه به استعداد و توانایی فکری، ایدئولوژی مترقی، پایبندی به اصول انسانی و دیپلماسی قدرتمند، نمی‌تواند به موضوع مناسب و پایدار منجر شود. به عبارت دیگر قدرت سخت برای رسیدن به اهداف خویش نیازمند یک عامل پشتیبان و تکمیلی است و آن قدرت نرم است (شهرام نیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۴). در این راستا، اعمال

قدرت از طریق جذب و همزمان پرهیز از هرگونه اجبار و تطمیع، گستره‌ای بسیار متنوع، جذاب و در عین حال حساس را در برابر دولتمردان یک کشور قرار می‌دهد (گلشن پژوه، ۱۳۸۷). جوزف نای قدرت نرم را، توانایی ایجاد خواست‌های مطلوب از طریق به‌کارگیری طرح هنجارها، فرهنگ و سیاست خارجی که مولد جاذبه هستند، معرفی می‌کند (Nye, 2002: 60). در تعریفی دیگر آمده است: قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و منابع یک کشور چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی اطلاق می‌شود که به‌صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد (هرسیچ و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۲۵).

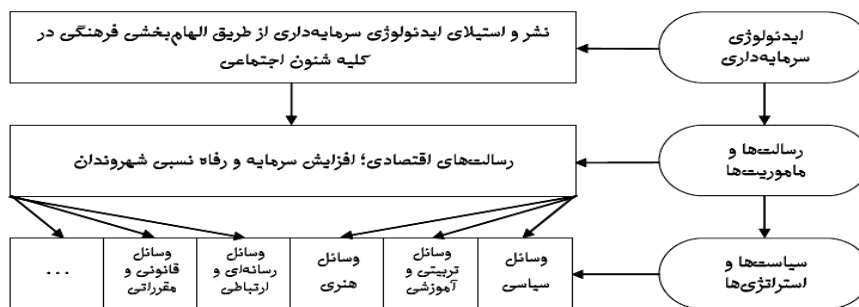
قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت و کسب اعتبار نزد افکار عمومی جهان است که با به‌کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، پیشینه درخشان، آرمان یا ارزش‌های انسانی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین، قدرت نرم پدیده‌ای اجتماعی و مرتبط با مؤلفه‌های محیطی است که به نسبت سایر ابزارهای سیاست خارجی، بیشترین تأثیرپذیری را از مؤلفه‌های هویت ملی دارد (هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). از این رو، کسب اعتبار، وجهه بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی جهان یا به تعبیری دیگر، دستیابی به قدرت نرم از جمله اهداف مهم و در عین حال تصریح نشده دیپلماسی کشورها در نظام بین‌المللی است (علی پور، ۱۳۸۷: ۱). به دو دسته تقسیم می‌شود؛ قدرت نرم مبتنی بر اغوا، که قدرت‌های شیطانی از آن برای فریب و تسلط بر توده‌ها استفاده می‌کنند و قدرت نرم مبتنی بر ارشاد، که قدرت‌های الهی از آن برای هدایت مردم بهره برداری می‌کنند. با توجه به این تقسیم‌بندی، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از نوع قدرت نرم رشد محور، به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا اغوا، عمدتاً بر پایه‌ی ارشاد محسوب می‌شود (هرسیچ، ۱۳۹۰: ۱۵۸-۱۵۷). پس گفتمان اسلامی قدرت، نگرش توحیدی دارد و مبتنی بر مشروعیت و منطبق بر فطرت انسانی است؛ در حالی که قدرت در اندیشه غربی مشروعیت خود را از مردم می‌گیرد (قربی، ۱۳۹۰ و یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۶۶-۲۶۴). شاخص‌های قدرت نرم شامل مؤلفه‌های مادی و معنوی می‌شوند؛ مؤلفه‌هایی چون ایدئولوژی، روحیه ملی، مشروعیت سیاسی، فرهنگ، نفوذ جهانی، ارزش‌ها، نوع حکومت، نوع ارتباط حکومت، استعدادهای علمی، اخلاق اجتماعی، اطلاعات و آگاهی‌ها، روحیه ملی و غیره در زمره‌ی عوامل معنوی قدرت بازیگران محسوب می‌شود. علاوه بر این، برخی عوامل سیاسی از جمله ثبات سیاسی، نوع رژیم و رهبری از مؤلفه‌های مادی قدرت نرم به شمار می‌آیند (صبوری، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۲).

۱-۲. الهام بخشی

«امید است این انقلاب اصیل اسلامی، که متکی به توده‌های محروم کشور ما بوده و هست، الگویی برای سایر ملل محروم جهان گردد که با الهام‌گیری از رهنمودهای آن خود را از سلطه استعمارگران جهان‌خوار نجات بخشند» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۸: ۳۵۱).

بسیاری از صاحب‌نظران، نظریه هژمونی فرهنگی گرامشی را نظریه اصلی و مرتبط با مطالعات الهام بخشی می‌دانند. گرامشی در تحلیل بقا و استمرار سرمایه‌داری و عدم وقوع انقلاب‌های سوسیالیستی، موضعی ضد اکونومیستی اتخاذ کرد و بر نقش رونابها به ویژه ایدئولوژی و فرهنگ تأکید گذاشت. به نظر

وی، استمرار نظام سرمایه‌داری نتیجه هژمونی ایدئولوژیک است و هژمونی فرایندی است که در آن طبقه حاکم، جامعه را به شیوه‌ای اخلاقی و فکری هدایت و کنترل می‌کند. بنابراین، میان هژمونی، سلطه و اجبار رابطه کیفی وجود دارد؛ در جامعه ای که هژمونی در آن برقرار است میزان بالایی از اجماع، وفاق و ثبات اجتماعی وجود دارد و طبقات تحت سلطه از آرمان‌ها و ارزش‌هایی حمایت می‌کنند که مورد نظر طبقه مسلط است و آنها را به ساختار کلی در جامعه پیوند می‌زند. بنابراین الهام بخشی فرهنگ‌های سرمایه‌داری در جهان امروز ریشه در هژمونی ایدئولوژیک نظام‌های سرمایه‌داری است. در این جوامع، نیازها و علایق و ارزش‌های کل جامعه پذیرفته شده است و تردیدی درباره انطباق آن دو وجود ندارد. به عبارتی دیگر، هژمونی نیز کنترل از طریق اجماع فرهنگی است و در مقابل سلطه قرار دارد که کنترل از طریق اجبار است. در چنین دیدگاهی، الهام بخشی چیزی جزء پذیرش رضایت آمیز ارزش‌های طبقه بالا به وسیله عامه مردم در جوامع مختلف نمی‌باشد (نادری و ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۶).



نمودار الهام بخشی فرهنگی لیبرالیستی (نادری، ۱۳۸۵: ۱۲)

در نگاه «آلتوسر»، الهام بخشی متأثر از توانمندی فرهنگ در سه حوزه اقتصاد، ایدئولوژی و سیاست است. از منظر «ماتیو آرنولد» فرهنگ به طور کلی مجموعه متعارف و یا بهترین اندیشه‌ها و کردارهای آدمیان است که موجب غلبه عقل و اراده الهی در جهان می‌گردد. در این نگاه، الهام بخشی به کمال ذهن و روح ناظر است و خصلتی درونی دارد و با درون مایه‌های تمدنی در ارتباط است. در پرتو نظریه آرنولد، نخبگان یعنی افرادی که دارای فرهنگ واقعی می‌باشند، توان الهام بخشی فرهنگی دارند. «خوزه ارتگایی گاست» فرهنگ توده‌ای را مهمترین ویژگی عصر جدید می‌داند. در نظر وی، الهام بخشی فرهنگی جوامع صنعتی امروزی از طریق تمرکز بر اصل لذت‌گرایی صورت می‌پذیرد و الهام بخشی فاقد معیار و نظمی خاص است. تا بدین جا مشخص گردید که از نظر برخی از صاحب نظران، الهام بخشی صرفاً به مثابه تولید امور معنوی و فکری در جامعه نمی‌باشد و عناصری همچون اقتصاد، فن آوری، تجارت و سیاست نیز در نحوه الهام بخشی یک فرهنگ تأثیر چشمگیری دارند (نادری و ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۸-۷). البته باید توجه داشت که الهام بخشی نیز کنش مشترک تمامی انقلاب‌های جهان است و این انقلاب‌ها با تکیه بر

شعارها و آرمان‌های انقلابی خود خواستار دگرگونی سیاسی و فرهنگی در کشورهای دیگر هستند. در مورد انقلاب اسلامی نیز الهام بخشی بنیادی‌ترین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی می‌باشد (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱).

در همین راستا، منظور از الهام بخشی انقلاب عبارت از تشریح و ترویج اهداف، آرمان‌ها، آموزه‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی به مردمان مشتاق است. به طوری که بیش از آن که ناشی از عرضه از سوی جمهوری اسلامی باشد، معلول تمنا و تقاضای ملل دیگر برای شناخت و الگوبرداری از انقلاب اسلامی می‌باشد و از این رو الهام بخشی انقلاب اسلامی متضمن ایجاد انقلاب فیزیکی در سایر کشورها و جوامع نیست، بلکه صدور انقلاب استعاره‌ای برای اشاعه ارزش‌ها، هنجارها و رساندن پیام رهایی بخش و آزادی‌بخش آن به انسان‌های علاقه‌مند می‌باشد؛ فرآیندی که الهام بخش ملت‌های مسلمان و مستضعف خواهد بود تا به همان غایتی رهنمون شوند که ملت ایران آن را تجربه کرده است (جمالزاده، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۶؛ موسوی و قربی، ۱۳۹۳: ۱۲۰). از این رو الهام بخشی ماهیتی برون‌گرا می‌یابد که معطوف به محیط پیرامونی و خارجی جمهوری اسلامی، از جمله جهان اسلام است (متقی، ۱۳۸۵: ۱۷).

قدرت نرم از نگرش آمریکایی به جهان پس از جنگ و تحولات آن برگرفته شده است. در حالی که الهام بخشی توصیفی بومی از قدرت نرم در هویت اسلامی - ایرانی است و در قیاس با قدرت نرم، ظرفیت بیشتری برای تحقق ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی دارد. الهام بخشی با وجود داشتن مؤلفه‌های مادی قدرت نرم در هدف نهایی و غیرمادی خود ماهیت متفاوتی دارد. حرکت رو به تعالی و صلح و عدالت جهانی، الهام بخشی را از نوع اعمال قدرت غربی متمایز می‌کند. نکته مهمتر این که منبع هنجارها و ارزش‌های الهام بخش، الهی است. به عبارت دیگر، کشور الهام بخش، خود از منابع الهی الهام می‌گیرد و مقصود نهایی‌اش را نیز مبتنی بر جهان‌بینی الهی خود تعیین می‌کند. در این فرآیند، رهبری از طریق هدایت افکار و فراتر از الگوهای موجود برای برآوردن نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها صورت می‌گیرد و تبلیغاتی اغراق آمیز و فریبنده به مثابه ابزاری برای کنترل رفتار و افکار دیگران نیست (رحمانی، ۱۳۹۳: ۴۸۸). در عین حال، تأمل و تفکر در گفتمان انقلاب اسلامی و رهبران آن، آشکار می‌سازد که منظور از صدور فرهنگی و الهام بخشی انقلاب اسلامی، ایجاد تحول خشونت‌آمیز انقلابی در کشورهای دیگر نیست، بلکه مقصود از الهام بخشی انقلاب، تبیین و ترویج ارزش‌ها و آرمان‌های آن به صورت مسالمت‌آمیز می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۸۸).

۲. نسبت سنجی الهام بخشی و قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران

«امروز قدرت ایرانی و قدرت اسلام در ایران به طوری است که توجه همه ملت‌های ضعیف را به خودش معطوف کرده است ... و همه جا، نور اسلام تابیده است و توجه مردم به اسلام شده است. منظور از

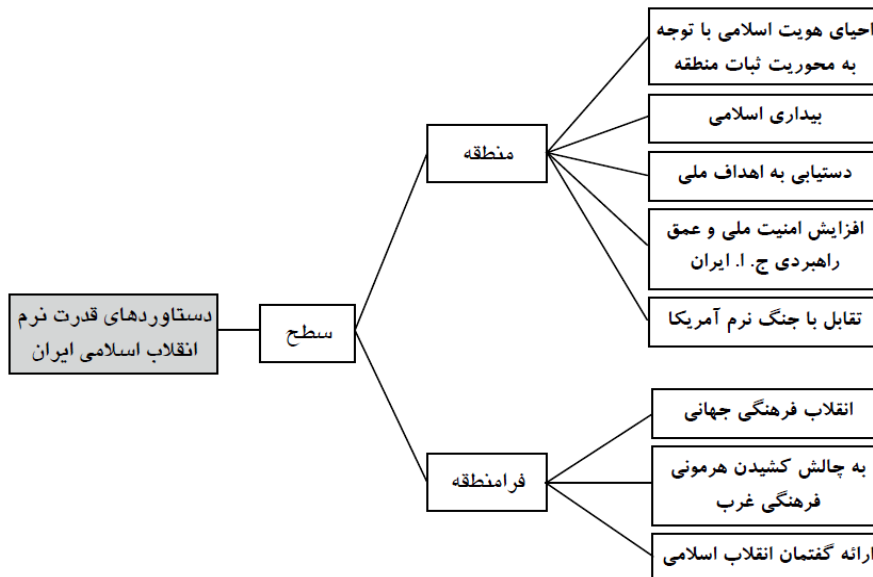
صدر انقلاب همین بود و تحقق پیدا کرد و انشاءالله اسلام در همه جا غلبه بر کفر خواهد پیدا کرد.»
(امام خمینی، ۱۳۸۵، جلد ۱۷: ۴۱۵)

مفهوم الهام بخشی، ظرفیت به مراتب بیشتری در قیاس با قدرت نرم برای رساندن پیام اسلام و جمهوری اسلامی ایران دارد. الهام بخشی به جای مغزها اغلب متوجه قلبهاست. ممکن است ارزشها، فرهنگها و سیاستهای یک کشور با کشور دیگر متفاوت باشد، اما پیام یک کشور بر قلب مردم کشور دیگری بنشیند؛ همان گونه که پیام انقلاب اسلامی ایران با وجود رخ دادن در یک سرزمین متفاوت، به دل بسیاری از مسلمانان جهان اعم از شیعه و سنی نشست. منبع تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بیشتر از آن که سیاستها و فرهنگ باشد، اصل دعوت و الهام بخشی بود که ریشه در سنت اسلامی داشت. انقلاب اسلامی الهام بخش شد چون اصول فراموش شده‌ای را مورد تأکید قرار داد که به باور خیلی از صاحب نظران در حال انقراض بودند (قهرمان پور، ۱۳۸۹: ۱۶۰-۱۵۹). محمد باقر خرمشاد این ارتباط الهام بخشی و قدرت نرم را این گونه تشریح می‌کند: «بحث الهام بخشی و صدور فرهنگی انقلاب اسلامی ایران با مفهوم دیگری در همین حوزه مرتبط است که از آن به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌کنیم؛ به این معنا که اساساً نوع قدرتی که در انقلاب اسلامی ایران به‌کاربرده می‌شود و با آن قدرت و نظام مستقر را که دارای قدرت سخت است به تمکین وادار کرده و در نهایت نیز فرو می‌پاشد، قدرت نرم است؛ یعنی به تدریج اقتناعی در مردم پدید آمد که به صحنه بیایند و با توان مردمی، قدرت سخت را به چالش بکشند. این منبع قدرت نرم و توانمندی‌هایی که در جریان تحولات انقلابی کسب می‌شود، در سال‌های بعد از انقلاب هم قابلیت بهره‌برداری دارد. آنچه توان انقلاب اسلامی ایران را فراملی و فرامنطقه‌ای می‌کند، توان ایدئولوژیکی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است، که دارای یک ایدئولوژی فراملی است و بیرون از مرزهای ایران شناخته شده است، طرفدارانی دارد و مورد فهم و اتکا قرار می‌گیرد. در نتیجه ایران می‌تواند در کشورهایی که این ایدئولوژی فراملی مورد فهم قرار می‌گیرد، حضور ایدئولوژیک داشته باشد؛ این ایدئولوژی، اسلامی است و تقریباً در همه کشورهای اسلامی امر شناخته‌شده‌ای است، یعنی اسلام را مبنای مخالفت با وضع موجود نامطلوب قرار می‌دهد و بعد از فروپاشی وضع موجود و نامطلوب، برای داشتن وضع مطلوب طرحی نو مبتنی بر اسلام ارائه می‌دهد. انقلاب اسلامی از ظرفیت دیگری هم بهره‌مند بود که الهام بخشی یا صدور آن را ممکن می‌کرد و آن تعلق به یک حوزه تمدنی تلفیقی به نام حوزه تمدن اسلامی و ایرانی است، انقلاب در کشوری با چنین قدمت تمدنی، موقعیتی فراهم می‌آورد که می‌تواند در حوزه‌های فکری، فرهنگی و تمدنی تأثیرگذار باشد. پس‌لرزه‌های زلزله انقلاب اسلامی بلافاصله پس از وقوع، در قلمرو کشورهای اسلامی احساس شد، پایایی و پویایی انقلاب باعث شده تا این الهام بخشی فرهنگی و تمدنی در طول این چهار دهه به حیات خود ادامه دهد (خرمشاد، ۱۳۹۴: ۱).

بر این اساس می‌توان مدعی شد که الهام بخشی با توجه به ایدئولوژی و ارزش‌های بنیادین ایران و نیز بستری که در آن نظام سیاسی جمهوری اسلامی پدید آمده و تکامل پیدا کرده، گسترده‌تر و کاربردی‌تر از مفهوم قدرت نرم است، هرچند الهام بخشی در تعارض با قدرت نرم نیست و این دو مفهوم می‌توانند در

سطح روش شناختی با هم تلفیق شوند ولی در سطح هستی شناختی تفاوت‌های بارزی با هم دارند؛ در قدرت نرم نیز هدف نهایی اعمال قدرت با شیوه و روش جدید است اما در الهام بخشی، اعمال قدرت اولویت نیست بلکه دعوت به حق اولویت دارد. قدرت نرم در بستر زمانی مدرنیته معنا پیدا می‌کند اما الهام بخشی معطوف و محدود به یک زمان و مکان خاص نیست (قهرمانپور، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معطوف به تغییر در الگوهای وابستگی راهبردی به قدرت‌های بزرگ و در پیش گرفتن بی‌طرفی یا عدم تعهد بوده است. نقش رهبر منطقه‌ای، انعکاس هویت جدید ایران در قالب آرمان‌های اسلامی و رهایی بخش و نفی سلطه فراسوی مرزهاست. حرکت در این مسیر باعث قدرتمند شدن ایران در پاسخ دادن به تهدیدها و تهاجمات شده است که برخی از رژیم‌های محافظه کار منطقه و قدرت‌های برتر مسلط در نظام بین‌الملل برای ایران داشتند. از این رو، الهام بخشی پیوندی از اسلام‌گرایی و ملیت‌گرایی در هویت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود که زمینه‌های رهبری منطقه‌ای ایران در جهان اسلام را فراهم می‌نماید (رحمانی، ۱۳۹۳: ۴۸۴). بنابراین، قدرت نرم و الهام بخشی نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر غرب، در آموزه‌های دینی و ملی نهفته در فرهنگ سیاسی شیعه که در جامعه اسلامی ایران گسترش یافته است، ریشه دارد و از این رو با حفظ و تقویت آن می‌توان ضمن افزایش اقتدار نظام، با هر تهدیدی به مقابله برخاست (ملک زاده، ۱۳۹۳: ۱) و به مثابه الگویی کارآمد در جهان اسلام مطرح شد که دستاوردهای منطقه‌ای (احیای هویت اسلامی، بیداری اسلامی، تحویل اهداف ملی، افزایش امنیت پایدار و...) و فرامنطقه‌ای (انقلاب فرهنگی جهانی، چالش‌زایی برای هژمونی فرهنگی غرب، اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی و...) داشته است.



نمودار دستاوردهای قدرت نرم انقلاب اسلامی (کوشکی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۹)

مجموعه حوادث و تحولاتی که بعد از یازده سپتامبر در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام اتفاق افتاده باعث کاهش قدرت نرم آمریکا در برابر الهام بخشی روزافزون منطقه‌ای و جهانی و به عبارتی قدرت نرم ایران شده است (کتولی، ۱۳۹۲: ۱) و چهار محور برای الهام بخشی گفتمان انقلاب اسلامی در رابطه با بیداری اسلامی در جهان اسلام وجود دارد که اصولاً لیبرال دموکراسی هیچ یک از این محورها را ندارد:

الف) معنویت گرایی مبتنی بر پاسخ‌گویی به نیازهای عینی فرد و جامعه؛

ب) ترویج فرهنگ عدالت‌خواهی و عدالت طلبی؛

ج) پایه گذاری مردم‌سالاری دینی در عصر ناباوری به کارکرد سیاسی و اجتماعی دین؛

د) تقویت اعتماد به نفس، خودباوری و بیداری ملت‌های مستضعف و ارائه‌ی الگوی عینی بازگشت به هویت (حاتمی، ۱۳۹۲: ۱۲۲-۱۲۱).

الهام بخشی در راستای تقویت قدرت نرم و حفظ منافع ملی ایران، کارویژه‌های زیر را خواهد داشت؛ معرفی هویت و شخصیت و روح فرهنگی - تمدنی ملت باستانی ایران و انقلاب اسلامی، نمایش و عرضه ارزش‌ها و خاصه‌های فرهنگی ایران و انقلاب اسلامی، ارائه تصویر واقعی و مثبت از مردم جمهوری اسلامی ایران به عنوان ملتی متمدن و با فرهنگ سازنده، نمایش و ترویج ارزش‌های فرهنگی مشترک ایران با ملت‌های منطقه، گسترش و توسعه روابط مردم با مردم که پایدار و درازمدت بوده، فراهم ساختن بستر و زمینه لازم برای برقراری تماس با افکار عمومی کشورهای منطقه، تهیه دستور کار مثبت جهت همکاری با ملت‌هایی که با ایران اختلافات سیاسی دارند، کمک به ایجاد اعتماد و تسهیل اعتمادسازی با کشورهای منطقه که زمینه‌ساز همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی با آنان خواهد بود، امکان پذیر ساختن برقراری تماس و ارتباط نزدیک با گروه‌های اجتماعی و فرهنگی علاقمند به تمدن ایران، ایجاد فضای فرهنگی و اخلاقی مثبت برای مقابله با تهاجم و نفوذ فرهنگ‌های مهاجم فرامنطقه‌ای، کمک به همکاری و هماهنگی فرهنگی کشورهای همسوی منطقه‌ای جهت مقابله با امپریالیسم فرهنگی، سیاسی و استقرار نظم فرهنگی نوین منطقه‌ای، توسعه و گسترش مبادله اطلاعات جهت آگاهی بخشی بیشتر در مورد دستاوردهای فرهنگی ایران، ارتقاء و گسترش تسهیلات لازم برای دسترسی گسترده و آسان ملت‌های منطقه به دستاوردهای فرهنگی ایران و زمینه سازی لازم جهت افزایش دسترسی عمومی مردم منطقه به داشته‌های فرهنگی - تمدنی ملت ایران (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۰۸).

۳. مؤلفه‌های الهام‌بخشی و ظرفیت‌های قدرت‌نرم ایران در سیاست‌های کلی برنامه

ششم توسعه

برآیند رسالت انقلابی - اسلامی و پیشینه درخشان تمدن ایرانی، هدف گسترش فرهنگ ایرانی - اسلامی را در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است؛ به طوری که سند چشم انداز ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی ایران را یک کشور الهام بخش در جهان اسلام تعریف و معرفی می‌کند. طبیعتاً الهام بخشی در کشورهای پیرامونی ایران اولویت و اهمیت بیشتر می‌یابد. یکی از مهمترین ساز و کارها و

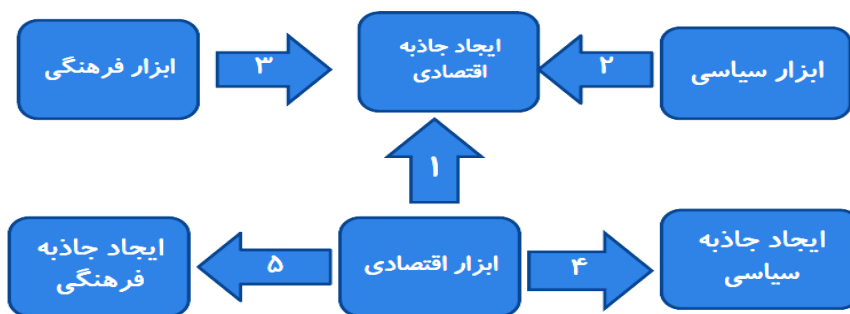
ابزارهای تأمین اهداف فرهنگی سیاست خارجی ایران مبتنی بر گسترش خاصه‌ها و عناصر فرهنگ اسلامی- ایرانی و الهام بخشی در سایر کشورها، تدوین، تنظیم و اعمال دیپلماسی فرهنگی کارآمد و روزآمد است؛ نوعی دیپلماسی فرهنگی کنشگر و کنش‌مند که بتواند فرصت و بستر لازم را برای استفاده بهینه از داشته‌ها و خاصه‌های فرهنگی ایران و انقلاب اسلامی برای تأمین منافع ملی کشور فراهم آورد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). سیاست الهام بخشی علاوه بر چشم‌انداز بیست ساله، به‌عنوان یکی از اهداف و تجویزهای مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید است. رسالت جهانی و جهان‌شمولی اسلام از یک سو و ماهیت فراملی انقلاب اسلامی از سوی دیگر، الهام بخشی را به فراسوی مرزهای ایران اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. ایران اسلامی، صدور انقلاب و تبلیغ ارزش‌های اسلامی را از وظایف و تعهدات خود می‌داند و از این طریق تلاش کرده تا بر تصاویر ذهنی مخاطبان و الگوهای رفتار تأثیرگذار باشد. جمهوری اسلامی ایران در تعقیب این سیاست دو هدف را دنبال می‌نماید: تلاش برای آشناسازی ملت‌ها نسبت به سرنوشت و منطقه خویش؛ تلاش برای برقراری جامعه اسلامی واحد، تا این که اسلام نقش سرنوشت‌ساز خود را در جهان اسلام ایفا نماید. البته این روند و الهام بخشی در جهان اسلام به شکل مسالمت‌آمیز انجام می‌شود و مبتنی بر سه روش و طریق صورت می‌گیرد؛ حمایت معنوی و غیرنظامی از نهضت‌های آزادی‌بخش، الگوپردازی و سرمشق بودن، تبلیغات و دعوت فرهنگی (یزدانی و زندیه، ۱۳۹۲: ۳۰ و ستوده، ۱۳۸۵: ۱۱۲). در کنار سایر اسناد فرادستی، در سیاست‌های کلی برنامه ششم جمهوری اسلامی ایران بر قدرت نرم تأکید شده است و در بخش امور دفاعی و امنیتی، ذیل بند ۵۳ به افزایش ظرفیت‌های قدرت نرم اشاره شده است که ژئوپلیتیک آن، کشورهای منطقه، آسیای جنوب غربی و جهان اسلام است. منابع قدرت نرم در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه شامل، منابع سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی می‌شود که در میان این منابع متعدد که در پیوند مؤلفه‌های ارزشی و ملی قرار دارند، الهام بخشی روح حاکم بر قدرت نرم جامعه ایرانی است که تمرکز بر اشاعه، ترویج و نشر ارزش‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی در جهان اسلام و کشورهای منطقه دارد که در صورت اجرایی شدن، قدرت نرم جامعه ایرانی را ارتقاء خواهد بخشید. برخی از مؤلفه‌های الهام بخشی در برنامه مزبور عبارتند از:

۱.۳. توسعه دانایی محور، الگویی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه پیشرفت

در مقدمه سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه آمده است که این برنامه نیز، «بر پایه‌ی محورهای سه‌گانه‌ی اقتصاد مقاومتی، پیشتازی در عرصه‌ی علم و فناوری، تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی تنظیم شده است. اتکاء بر توانایی‌های انسانی و طبیعی و امکانات داخلی و فرصت‌های وسیع برآمده از زیرساخت‌های موجود در کشور و بهره‌گیری از مدیریت جهادی و روحیه‌ی انقلابی و تکیه بر اولویت‌های اساسی آمده در سیاست‌های کلی: اصل ۴۴، اقتصاد مقاومتی، علم و فناوری، نظام اداری، جمعیت و از همه بالاتر توکل به قدرت لایزال الهی می‌تواند ما را به‌رغم تمایل و اراده‌ی دشمنان عنود، با تحقق اهداف برنامه‌ی ششم در ارائه‌ی الگویی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه‌ی پیشرفت که به کلی مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی

است، یاری رساند.» بر این اساس، پیشرفت در برنامه ششم توسعه با علم و دانش پیوند خورده است و در عین حال، برآمده از تفکر اسلامی است و همین امر، زمینه‌های تمایز توسعه مدنظر در این برنامه را با الگوهای غربی و سرمایه‌داری توسعه متمایز می‌کند؛ به‌گونه‌ای که توسعه دانایی محور و ارزش‌مدار جمهوری اسلامی ایران می‌تواند یکی از مؤلفه‌های الهام بخشی جمهوری اسلامی ایران در منطقه جهان اسلام باشد.

در همین راستا، «چورین و ملکا» (Chorin and Malka, 2008) در تحلیل قدرت نرم ایران به تجارت هیدروکربونی ایران با چین و روسیه، موافقت‌نامه‌های تجاری با کشورهای آسیای میانه، صادرات خودرو به کشورهای دوست و تجارت فعال ایران در منطقه به عنوان نشانه‌هایی از قدرت نرم جمهوری اسلامی می‌نگرند. البته باید توجه داشت که در واقع اقتصاد و موفقیت اقتصادی هنگامی که نظر مثبت دیگران را به خود جلب کرده و جنبه جذابیت پیدا کند، می‌تواند در دایره قدرت نرم قرار بگیرد. به عبارتی دیگر، ارائه تصویری از اقتصاد کشور به عنوان یک الگوی موفق هنگامی که موفقیت‌های اقتصادی به‌عنوان الگو و منبع الهامی برای سایرین قرار می‌گیرد، اقتصاد و توسعه همه جانبه می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع افزایش قدرت نرم در نظر گرفته شود (علوی، ۱۳۹۰). این جذابیت و توانمندی در عرصه الگوسازی اقتصاد در برنامه ششم توسعه براساس پیوند دانش و اقتصاد روی می‌دهد و از آنجایی که بر اساس مؤلفه‌ها و ارزش‌های معنوی و فرهنگ اسلامی طراحی و تدوین می‌شود، می‌تواند جایگزین اقتصادی مناسبی در کشورهای جهان اسلام به جای الگوهای سرمایه‌داری در کشورهای منطقه و جهان اسلام باشد. با این اوصاف، الگوی اقتصادی و توسعه دانایی محور می‌تواند به مثابه ابزاری اقتصادی در ایجاد الهام بخشی و جاذبه سیاسی و فرهنگی برای جمهوری اسلامی ایران مؤثر و کارآمد باشد.



نمودار تأثیر ابزارهای اقتصادی در الهام بخشی و جاذبه جمهوری اسلامی ایران (سیف، ۱۳۹۰: ۱۴)

انقلاب اسلامی ایران زمینه را برای اهتمام به توسعه چند بعدی در ابعاد علمی، فرهنگی، اخلاقی، دینی و اجتماعی علاوه بر توسعه سیاسی و اقتصادی فراهم آورد و توسعه دانایی محور را سرلوحه تعالی قرار داد (رنجبران، ۱۳۸۸: ۸۵). این مهم ناشی از توجه به فرهنگ به عنوان حوزه‌ی مستقل، مطلوب و بهره‌گیری

نرم‌افزاری از دین به عنوان نظام معانی و نمادسازی بود. انقلاب اسلامی رویکرد توسعه دانایی محور را برای تبدیل کشور به جامعه‌ای دانش بنیان اتخاذ کرد تا علم و اندیشه مسیر حیات فردی و جمعی را مشخص سازد و فرآورده‌های علمی با خود اقتدار، صلابت و عزت را به ارمغان آورند و نقش مؤثری در تأمین قدرت، امنیت و آرامش اجتماعی ایفا کند. نوآندیشی در دو نهاد حوزه و دانشگاه را تشویق کرد تا این دو سرمایه‌ی گران‌سنگ توانمندی‌های معنوی و مادی کشور را متبلور سازند و زیرساخت‌های علمی را تحول بخشند. علاوه بر تحریض نخبگان نرم‌افزاری به فرارگرفتن در قله‌ی علم و دانش به منظور عظمت و اقتدار کشور، تبادل فکر و اندیشه را به عنوان بستری مناسب برای رشد علمی و فکری و شکوفایی استعدادها تشویق نمود و ژرف بینی و ژرف یابی در علم را با ترویج فرهنگ حمایت از علم و پژوهش و اعتماد به نفس، حرکت به جلو و تلاش برای آزادی و استقلال کشور زمینه‌ی پیشرفت فکری، معرفتی و مدنی کشور دانست. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی دانشگاه خوداندیش، مستقل و دارای قدرت تولید فکر و علم، مرتبط با فرهنگ مردمی و متصل به دلبستگی‌ها و جاذبه‌های موجود میان مردم را جایگاهی برای عزت و اقتدار جهانی نظام قرار داد و با تحریض ابتکار و خلاقیت همزمان با توجه دانشگاه به فرهنگ و ایمان و باورهای عمومی و دلبستگی‌های مردمی، نظام تعلیم و تربیت کشور را در جهت کیفی‌سازی سرمایه‌های انسانی و استقلال فنی و قدرت نرم‌افزاری کشور بسیج کرد. برخورداری انقلاب اسلامی از این قدرت نرم توانست جلوه‌ی مثبتی از فرهنگ و سیاست را در اذهان جهانیان ایجاد کند و فرهنگ استقلال را که ریشه در ارزش‌های بومی و اسلامی و نفی خودباختگی در برابر غرب داشت نهادینه سازد (دهشیری، ۱۳۸۷: ۷۱-۶۸). توسعه دانایی محور و پیشرفت متعالی در برنامه ششم توسعه در نهایت از طریق پنج مرحله منجر به بازتولید قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام می‌گردد:

مرحله اول) تولید رضایت‌مندی اقتصادی: به کارگیری منابع قدرت نرم اقتصادی در یک دوره اقتصادی، تصاویر صلح‌آمیز و جذاب برای دیگران می‌فرستد. لذا در نخستین مرحله، موجب تولید رضایتمندی اقتصادی در جوامع اقتصادی پیرامون جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

مرحله دوم) تولید اعتقاد اقتصادی: تولید رضایتمندی اقتصادی در قدرت نرم اقتصادی، سبک تفکر کشورهای دیگر را در اقتصاد تحت تأثیر قرار می‌دهد لذا موجب تولید اعتقاد اقتصادی در جوامع اقتصادی می‌شود.

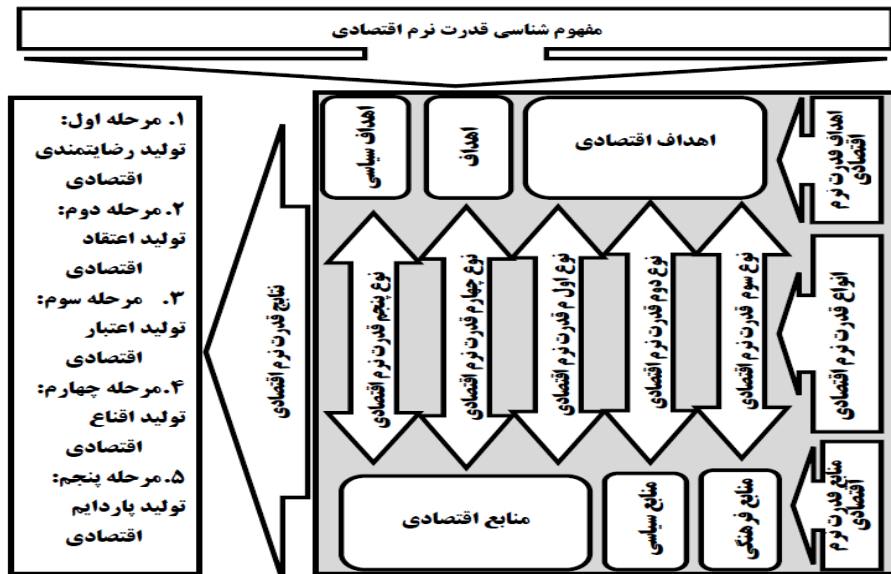
مرحله سوم) تولید اعتبار اقتصادی: تولید اعتقاد اقتصادی در قدرت نرم اقتصادی، در مرحله سوم زمینه هم‌گرایی و هم‌افزایی اقتصادی را در درون یک جامعه یا اجتماعی از کشورها فراهم کرده و باعث وحدت رویه بیشتر در اقتصاد و فعالیت‌های دیگر می‌شود و به عبارتی دیگر، تولید اعتبار اقتصادی در جوامع اقتصادی را ایجاد می‌نماید.

مرحله چهارم) تولید اقناع اقتصادی: تولید اعتبار اقتصادی در مرحله بعدی نیز درجه‌ای از رهبری و هدایت را در تولید و سیاست‌های اقتصادی برای حکومت‌ها فراهم کرده و باعث به بار نشستن بهتر اقدامات و تدابیر اقتصادی سیاست‌مداران می‌شود و در نهایت، مجموعه نتایج در قدرت نرم اقتصادی باعث

اقتناع یا القای اقتصادی شده، موفقیت‌های سیاست‌های داخلی و خارجی و منطقه‌ای را در پی دارد و موجب پیشرفت و توسعه اقتصادی در جوامع اقتصادی در یک دوره اقتصادی می‌شود.

مرحله پنجم) تولید الگوی اقتصادی: تولید افنای اقتصادی در یک دوره اقتصادی، موجب افزایش سطح فعالیت‌ها و تولیدات اقتصادی شده و رشد اقتصادی را در بخش‌های اقتصادی سبب می‌شود و در نتیجه، منحنی امکانات تولید در اقتصاد را به بالا منتقل می‌کند و استمرار آن، تبدیل به یک الگوی اقتصادی می‌شود. این مرحله مهمترین و حساس‌ترین مرحله قدرت نرم اقتصادی است؛ چون الگوی اقتصادی تولید شده، اقتصاد را در دوره بعد با اقتصادی پیشرفته و دارای قدرت اقتصادی بالا مواجه می‌سازد (سیف و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۰-۲۹).

براساس سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، الگوی الهام بخش اقتصادی ایران نیز همان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که از طریق تفکر در مبانی اسلامی پیشرفت حاصل شده است و زمینه‌های جذابیت، الهام بخشی و نفوذ آن در کشورهای منطقه را می‌توان ناشی از رویکرد دانش بنیانی، رشد شتابان و پایدار، مقاوم بودن، جهادی بودن و غیره دانست که با «توکل به قدرت لایزال الهی»، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را افزایش می‌دهد.



نمودار تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی بر قدرت نرم (سیف و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۱)

۲,۳. ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

یکی دیگر از مؤلفه‌های الهام بخشی در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، مبانی و دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است که در اصل ۵۹ و ذیل امور دفاعی-امنیتی آمده است؛ «حفظ

و افزودن بر دستاوردهای سیاسی جمهوری اسلامی در منطقه‌ی آسیای جنوب غربی» و برای تحقق این مهم، اولین بند امور فرهنگی در سند مزبور بر راهبرد «تلاش شایسته برای تبیین ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و دستاوردهای جمهوری اسلامی» تأکید می‌ورزد.

جوزف نای در کتاب «آینده قدرت» بیان می‌کند ارزش‌های سیاسی، به شرطی منبعی از منابع قدرت نرم به‌شمار می‌آیند که در داخل و خارج کشور، مورد توجه و مشروع، قانونی و مسئولانه به نظر برسند. (Nye, 2011: 84) در همین راستا می‌توان ادعا کرد که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پیوند نزدیکی با اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس دارد و ایران اسلامی تلاش کرده با اتخاذ سیاست‌ها و بهره‌گیری از نهادها و ابزارهای مرتبط، اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی را در میان افکار عمومی سایر ملل اشاعه دهد و الهام بخش در جهان اسلام باشد (یزدانی و زندیه، ۱۳۹۲: ۱۹).

از این رو انقلاب اسلامی ایران و مبانی ارزشی دفاع مقدس نیز ذخیره قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مهم و بازیگر مطرح در نظام بین‌الملل است. انقلابی که مهمترین پیام آن فرهنگی است؛ چرا که رویکردی تمدنی را در نگرش جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌کند و امروزه اقتدار جمهوری اسلامی ایران قطعاً متأثر از مؤلفه‌های فرهنگی آن است. اکنون گفتمان انقلاب اسلامی ایران مناظره جدیدی را در عرصه روابط بین‌الملل شکل داده است که در واقع آن را بین دین‌گرایی و دین‌گریزی می‌دانند. دیدگاه انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر نظریه الهام بخشی فرهنگی است که امروزه به عنوان یک نظریه مهم در روابط بین‌الملل مطرح می‌باشد (See: sharp, 2005) و مبتنی بر این امر است که بسط و اشاعه ایده‌های فرهنگی مانند اندیشه‌ها، زبان‌ها، ادیان، روش‌های زندگی از فرهنگی به فرهنگ دیگر مورد نظر انقلاب اسلامی است. البته میزان الهام بخشی و بازتاب انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی یکسان و یکنواخت نبود بلکه با توجه به قربت‌ها و مشابهت فکری، فرهنگی و جغرافیایی درجه تأثیر آن متفاوت بوده است و از آن‌جا که این انقلاب برپایه تعالیم دین اسلام و مکتب اهل بیت به پیروزی رسید، زمینه تأثیرگذاری آن با توجه به همین امر متفاوت بود. مناسبات کشورهای اسلامی به دلیل استواری بر هویت دینی، نیازمند ابزاری متناسب با فرهنگ حاکم بر فضای سیاسی، اجتماعی و ذهنی نخبگان این کشورها است که محدودیت برقراری روابط، ظرفیت‌های این واحدهای سیاسی را برای تعاملات مدنظر قرار داده است و می‌تواند حامل مناسبی برای نظام معنایی حاکم بر کشورهای اسلامی باشد. فرهنگ انقلاب اسلامی ایران بر مسلمانانی که پیرو مکتب اهل بیت بودند یعنی بر شیعیان جهان تأثیر چشمگیری داشت به نحوی که می‌توان ادعا کرد، جایگاه شیعیان جهان را از حاشیه و پیرامون به مرکز و محور تحولات جهان اسلام منتقل نمود. شیعیانی که در طول چندین قرن نه تنها همواره در اقلیت بوده و آماج حملات شدید قرار می‌گرفتند و از بروز افکار و اندیشه‌های خود هراس داشتند با این پیروزی انرژی دوباره‌ای گرفتند و توانستند جایگاه ویژه‌ای را در سیاست بین‌الملل از آن خود کنند. فرهنگ شیعی، به عنوان فرهنگ مقاومت و جهاد در مقابل فرهنگ زور و قدرت‌مداری امروزه در جهان به یک گفتمان بی‌بدیل و مطرح تبدیل شده است و به‌عنوان یک پدیده مربوط به اشاعه و الهام بخشی فرهنگی -

سیاسی جلوه‌گر می‌باشد (سیمبر، ۱۳۹۳: ۱). روزه گارودی انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن را این‌گونه ترسیم می‌کند:

«به راستی انقلاب اسلامی که امام خمینی(ره) آن را رهبری کرد به هیچ یک از انقلاب‌هایی که در قبل برپا گردیدند، شبیه نیست، در طول تاریخ انقلاب‌هایی بودند که به هدف تغییر نظام سیاسی برپا گردیدند. انقلاب‌های اجتماعی هم در جهان رخ داده است و نشانگر خشم فقرا علیه اغنیا بود، انقلاب‌های ملی هم خشم خود را علیه استعمارگران و غاصبان خالی کردند. اما انقلاب اسلامی ایران نیز دارای تمامی این انگیزه‌ها بود. این انقلاب علاوه بر موضوعاتی که گفته شد دارای معانی جدیدی بود که نه فقط حکومت سیاسی و استعماری را سرنگون کرد، بلکه مهمتر از آن تمدن و جهان‌بینی خاصی را که در مقابل دین علم شده بود، واژگون ساخت.» (سالار، ۱۳۸۲: ۹)

براساس چنین نگرشی، گفتمان انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب فراملی است. انقلاب فراملی، برخلاف انقلاب ملی، گرچه در قلمروی سرزمینی و جغرافیایی ایران رخ داده است، اهداف و آرمان‌هایی فراتر از مرزهای ایران دارد؛ از این‌رو، انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر اهداف ملی، از اهداف و آمل فراملی نیز برخوردار است؛ یعنی به موازات تلاش برای تحقق خواست‌ها و نیازهای جامعه داخلی، درصدد دستیابی به آمل و آماجی در ورای مرزهای جغرافیایی ایران می‌باشد. تغییر و تحولات ساختاری و هنجاری در درون ایران، تنها یک دسته از اهداف انقلاب است. دسته دیگری از اهداف، ناظر بر تغییر و تحول هنجاری، نهادی و ساختاری در نظام بین‌الملل و سایر جوامع است که از ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی شیعی نشئت می‌گیرد. از مهم‌ترین و والاترین این ارزش‌ها، عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی، حمایت از مستضعفان، سلطه‌ستیزی، شالوده‌شکنی نظام بین‌الملل است (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۷۰-۶۹). به اعتقاد جان اسپوزیتو، ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی نیز خودباوری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در مقابل اندیشه‌های سلطه‌آمیز فرهنگ لیبرالی جوامع غربی به وجود آورده و در عین حال بهره‌برداری از دستاوردهای ارزشمند بشر در پیشرفت ابعاد گوناگون حیات انسانی را عینیت بخشیده است و آن را تبلیغ می‌کند. احیای اسلامی، مدل جدیدی در زندگی جوامع اسلامی و دیگر جوامع تحت سلطه فرهنگ غرب را مطرح می‌سازد و این مدل الهام بخش زمینه‌ساز تداوم مقاومت در برابر هجوم فرهنگ لیبرال غربی است. (Esposito, 1991:3-6) الگوی مردم سالاری دینی که دستاورد انقلاب اسلامی است، در پرتو تحولات بیداری اسلامی یکی از مؤلفه‌های سیاسی الهام بخشی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود که نسبت به سایر الگوهای الهام بخش برتری دارد (حسینی، ۱۳۹۰: ۳-۱). و بر اساس دیپلماسی فعال و پویا برای الگوسازی این ارزش سیاسی می‌تواند بر قدرت نرم ایران بیفزاید (سعیدی، ۱۳۹۳). در یک جمع‌بندی می‌توان بیان کرد:

«انقلاب اسلامی تمدن حقیقی را برای جهانیان به‌ارمغان آورد و این تمدن در تمام زمینه‌های سیاست، حقوق بشر و اخلاق، با فرهنگ و تمدن غرب تفاوت اساسی دارد و قابلیت الگوشدن و الهام بخشی را برای جهان اسلام دارا می‌باشد.» (جهانگیری، ۱۳۹۴: ۸)

۳,۳. ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی

از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و مفهوم‌سازی وجود دارد، یکی برداشتی است که سبک زندگی در آن معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخص تعیین طبقه‌ی اجتماعی است و دوم به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد و در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزبه‌روز افزایش می‌یابد. آنتونی گیدنز سبک زندگی را مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه‌ی رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره خود می‌داند که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌هاست و بر همین اساس از نوعی وحدت برخوردار است. ماکس وبر در تحلیلی چند بُعدی به سه مفهوم سبک زندگی یا سبک‌مند شدن زندگی، تدبیر زندگی و بخت زندگی اشاره می‌کند. وی خصیصه‌ی اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن آن می‌داند که محدود به برخی تنگناهای ساختاری است و این محدودیت‌ها، اقتصادی و اجتماعی‌اند. وی کارکرد دوگانه‌ای برای سبک زندگی قائل است. از یک طرف موجب تفاوت بین گروهی می‌شود و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می‌بخشد و از سوی دیگر موجب انسجام بخشیدن درون گروهی می‌شود. گیدنز انسان را به عنوان عامل در شکل‌گیری هویتش مؤثر می‌داند و معتقد است که انسان تحت فشار ساختار اجتماعی سبک زندگی را بیشتر تقلید می‌کند. به نظر او در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه فقط از سبک‌های زندگی پیروی می‌کنیم، بلکه ناچار به این پیروی هستیم. در حقیقت ما انتخاب دیگری به جز گزینش نداریم. سبک‌های زندگی از نظر گیدنز برنامه‌هایی مهم‌تر از فعالیت‌های فراغتی هستند (خواجه سروی و طباحی، ۱۳۹۲: ۱۳۸-۱۳۲). در جریان جهانی‌شدن فرهنگ، مصرف سریع نشانه‌ها، خدمات و در کل سبک زندگی، نوعی تکثر فرهنگی را به دنبال داشته و ارزش نمادین آن را بیش از گذشته برجسته می‌سازد و رسانه‌ها در قالب ابزارهای متنوع و با پیام‌های گوناگون، فردگرایی را ترغیب می‌کنند و در نهایت نوعی ناپایداری و ناپیوستگی را می‌نمایانند. بدیهی است در چنین شرایطی امر فرهنگ برای دولت‌ها اهمیت وافری می‌یابد. آنها در سطوح مختلف ضمن حفظ میانی و اصول ارجح خود، در برابر جریان‌های فرهنگ جهانی موضع‌گیری می‌کنند و به فراخور سیاست‌های فرهنگی مرتبط با این موضع‌گیری‌ها را تدوین و اعمال می‌کنند. بنابراین، سبک زندگی به عنوان نقطه‌ی تلاقی مطرح است که در آن دولت‌های ملی از یک سو و از سوی دیگر فرهنگ جهانی به کمک ابزارهای ارتباطی متعدد خود، معناهای افراد را به چالش می‌طلبند و هر کدام سعی در ارائه‌ی ارزش‌های فرهنگی‌شان دارند. در شرایط جهانی شده‌ی امروزین، سردرگمی در قبال فرهنگ و سیاست فرهنگی باعث وام‌گیری بیشتر شهروندان از سبک‌های زندگی جهانی و تمایل آنان به داشتن هویت‌های چندگانه و متفاوت می‌شود. به تعبیر «هابرماس» و «موفه» این گروه‌های هویتی با اجتناب از مشارکت در سازوکارهای سیاسی معمول و عرفی نمایندگی، حضور مستقیم در عرصه‌ی عمومی و تأثیرگذاری بر سیاست را از راه‌های مقاومت در زندگی روزمره در برابر سیاست‌های فرهنگی، اشکال مختلف سبک‌های زندگی را برمی‌گزینند که با قدرت

دولت در حوزه‌ی عمومی متناقض است. لذا هر نوع اصطکاک بین طرفداران نظم موجود و این گروه‌های هویتی (جنبش سبک زندگی) احتمال دارد نتیجه را به کنش‌های رادیکال و تقاضا برای دگرگونی بنیادی در جوهره‌ی نظام سیاسی برساند (خواجه سروی و طباحی، ۱۳۹۲: ۱۵۸-۱۵۵).

فاکتورهای فوق نشان می‌دهند که سبک زندگی چه تأثیری بر قدرت ملی دارد و بی‌توجهی به آن می‌تواند تضعیف پایه‌های توانمندی نرم‌افزاری کشور را به همراه داشته باشد. الگوی زیست و سبک زندگی اسلامی - ایرانی یکی از منابع الهام بخشی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام محسوب می‌گردد و در بند ۶۹ سیاست‌های کلی برنامه ششم بر «ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی» تأکید شده است و این عنصر، پایه‌های قدرت ملی را تقویت می‌نماید.

پتانسیل‌های بالای سبک زندگی و جامعه ایده‌آل اخلاقی جمهوری اسلامی ایران که دارای پشتوانه‌های غنی اسلامی و ایرانی است، می‌تواند زمینه‌های هژمونیک شدن سبک جامعه اخلاقی و الگوی زیستی مدنظر جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه و جهان اسلام گردد و با الهام بخشی این نوع از سبک زندگی، می‌توان هنجارها، اصول و باورهای ارزشی، جهان‌بینی و مقتضیات فرهنگی را با آن صادر کرد و در مسیر الهام بخشی سبک زندگی، پایه‌های قدرت نرم ایران را مستحکم نمود. (موسوی و قربی، ۱۳۹۲: ۱۲۹) با توجه به این دلایل است که ایالات متحده سعی می‌کند با بهره‌گیری از جهانی‌شدن، ارزش‌ها و فرهنگ خود نظیر سرمایه‌داری، لیبرالیسم، اومانیسیم، مصرف‌گرایی، سبک زندگی آمریکایی و غیره را به مثابه الگویی به کشورهای هدف عرضه و صادر نماید و این الگوهای غربی و تحمیلی بر فرهنگ سایر کشورها آثار منفی می‌گذارد (سلطانی فر و روشندل، ۱۳۹۰: ۹۸-۹۷).

از این رو شیوه‌ی زندگی، بیرونی‌ترین و ملموس‌ترین رفتار افراد، بر بستر فرهنگ ملی، و نمادین‌ترین مقوله در حوزه‌ی تمدن و امنیت آن است. شاید از همین رو بود که پس از واقعه‌ی یازدهم سپتامبر، که به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران در خلال آن، جنگ تمدن‌ها کلید خورد، "جرج دبلیو بوش"، در سخنرانی‌های اصلی خود از واقعه‌ی یازدهم سپتامبر به عنوان حمله به ارزش‌ها و مدل زندگی آمریکایی یاد می‌کرد. حتی "بنیامین نتانیاهو" نیز با تبیین مدل زندگی خود و مدل زندگی آمریکایی مبتنی بر لذت، منفعت و شادمانی، به جوانان ایرانی توصیه کرد برای شناختن بهتر این سبک زندگی و انتخاب آن، فیلم‌های خاصی را تماشا نمایند. به همین دلیل، توماس فریدمن^۱ (۲۰۰۵) در کتاب «جهان مسطح است» به تئوریزه کردن جهانی‌شدن سبک زندگی آمریکایی با وجود تفاوت فرهنگ‌ها می‌پردازد (سنجایی شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). بنابراین، جهانی‌سازی به‌عنوان یک پروژه غربی در صدد سیطره و تسلط همه جانبه غرب و فرهنگ غربی بر جهان است. این پروژه با هدف یکسان‌سازی و همسان‌سازی فرهنگی در صدد تحمیل شیوه زندگی غرب بر سایر جوامع است تا از طریق آن از خودبستگی و خودباختگی سایر ملت‌ها در برابر فرهنگ غربی آنها را به تسلیم در برابر ابزارهای تبلیغی و ارتباطی خود وادارد (علیزاده و احمدزور، ۱۳۹۰: ۱۹۴). در همین راستا بود که منازعه برای گفتمان‌سازی الگوهای زیستی و سبک زندگی به جنگ تمدنی مبدل گشت و

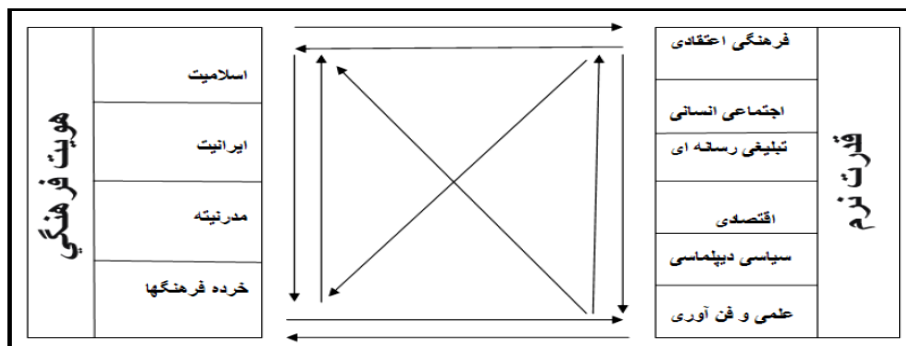
الگوی زیست خودی در برابر دیگری قرار گرفت که شیوه زیستن خودی از حقانیت و ارزش برخوردار شد و غیریت‌ها فاقد حقانیت گشتند (بهشتی، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۵). با توجه به اهمیت سبک زندگی و الگوهای زیست سیاسی-اجتماعی، جوهرگرایی اسلام ناب در گفتمان انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) نیز به طرد زندگی غربی می‌انجامد. البته ایشان بر ضرورت دستیابی به یک زندگی مدرن و توسعه یافته حقیقی و نه مسخ شده غربی، در ایران تأکید داشتند (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۹۲-۱۹۱). ترویج و اشاعه سبک زندگی اسلامی-ایرانی در جهان اسلام، زمینه نفوذ فرهنگی و صدور ارزش‌های سیاسی جمهوری اسلامی را فراهم می‌کند؛ زیرا پذیرش سبک زندگی ایرانی توسط امت اسلامی، زمینه‌های نزدیکی آنها و سردمداران‌شان با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌نماید و در عین حال، مطلوبیت‌ها و ارزش‌های ایران به عنوان جزئی لاینفک از زندگی ایرانی به کشورهای اسلامی صادر می‌گردد که همین امر، زمینه‌های پذیرش سیاست‌های ایرانیان در عرصه بین‌الملل را به همراه خواهد داشت.

۴,۳. اشاعه هویت اسلامی-ایرانی

منابع قدرت ممکن است شامل ارزش‌های خاصی از جمله احساس تعلق هویتی به یک کشور و هویت ملی همسو با سیاست خارجی آن شود (عطایی و هدایتی، ۱۳۹۲: ۱۱۲) و در همین راستا، هویت ملی را می‌توان در زمره قدرت نرم محسوب نمود (Ikenberry, 2011:65).

در سیاست‌های برنامه ششم و ذیل مؤلفه‌های امور فرهنگی، به «توسعه و تجلی مفاهیم، نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی-ایرانی» اشاره شده است و در متن این برنامه، سه بار از واژه «هویت اسلامی-ایرانی» استفاده گردیده است که نشان از اهمیت داشتن آن در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران دارد و به موجب بندهای ۷۲ و ۷۳ این سیاست‌ها، مسئولین موظف به رفع تهدیدات نرم‌افزاری پیش روی هویت اسلامی-ایرانی و حمایت مادی و معنوی از شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن هستند.

بنابراین هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین مؤلفه‌های الهام بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی در جهان اسلام می‌باشد (حق پناه، ۱۳۹۳). این امر در ارتباط با مؤلفه‌هایی مانند انسجام ایدئولوژیک و راهبردی کشورها نقش تأثیرگذار و تعیین کننده‌ای دارد. از سوی دیگر، باید این موضوع را مورد توجه قرار داد که در بیداری اسلامی و جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه، هویت‌گرایی بخش اجتناب ناپذیر چنین تحولاتی محسوب می‌شود. این امر با مؤلفه‌های اعتقادی و تمدنی شهروندان خاورمیانه پیوند یافته است (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۳۱) و این موضوع، همراه با این واقعیت است که «هویت‌گرایی اسلامی»، واقعیت جدید سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود (فرهادیان، ۱۳۹۲: ۸) و کشور ایران می‌تواند از ظرفیت‌های این پتانسیل برای الهام بخشی و اشاعه ارزش‌هایش در جهان اسلام بهره جوید.



نمودار ارتباط هویت با قدرت نرم (شعبانی، ۱۳۹۲: ۹۴)

بنابر نظریه سازه‌انگاری، جمهوری اسلامی یک بازیگر اجتماعی است که هویت و منافعش در فرایند تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. به‌طوری‌که ساختارهای هنجاری و انگاره‌ای در دو سطح ملی و بین‌المللی به هویت اجتماعی جمهوری اسلامی شکل می‌دهد. منافع ملی ایران نیز مبتنی بر هویت اجتماعی آن است که به‌وسیله‌ی ساختارهای هنجاری و انگاره‌ای قوام می‌یابد. از این‌رو، ویژگی‌ها و خصوصیات فرهنگی و هنجارهای خاص جامعه‌ی اسلامی ایران است که به منافع، اهداف و رفتار جمهوری اسلامی شکل می‌دهد. از طرف دیگر، با توجه به قوام‌بخشی متقابل ساختار و کارگزار، جمهوری اسلامی ایران نیز از طریق رویه‌ها و رفتارهایش در سیاست خارجی، این ارزش‌ها و هنجارها در قالب ساختارهای غیرمادی و انگاره‌ای را بازتولید می‌کند. افزون بر این، جمهوری اسلامی ایران، یک بازیگر اجتماعی نقش‌محور است که بر پایه‌ی منطق تناسب یا اقتضاء در سیاست خارجی عمل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که جمهوری اسلامی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی، صرفاً به نتیجه‌ی گزینه‌های انتخابی نمی‌اندیشد، بلکه براساس هویت و نقش ملی اتخاذی به انتخاب گزینه و تصمیم‌گیری دست می‌زند (نک: دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹). بنابراین، از منظر سازه‌انگاری، الهام بخشی انقلاب اسلامی، به‌عنوان یک هدف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ناشی از هویت و نقش ملی آن است. این قوام‌بخشی و تعیین‌کنندگی در دو سطح صورت می‌گیرد: نخست، هویت‌ها و نقش‌های ملی که جمهوری اسلامی برای خود قائل است و در سطح بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته می‌شود، پیگیری الهام بخشی انقلاب در سیاست خارجی آن را ایجاب و ضروری می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که هویت چهارگانه‌ی «ایرانی»، «اسلامی»، «انقلابی» و «غیرمتعهد» و نقش‌های ملی «دولت مستقل فعال»، «دولت سرمشق»، «مدافع مسلمانان»، «سنگر انقلاب»، «عامل ضد امپریالیست»، متضمن و مستلزم صدور سیاسی- فرهنگی انقلاب است. دوم، هریک از این هویت‌ها و نقش‌های ملی، الگوهای الهام بخشی انقلابی مختلف و متفاوتی را ایجاب و تعیین می‌کند. از این‌رو، در دوره‌های مختلف سیاست خارجی ایران با توجه به هویت و نقش ملی مورد تأکید، الگوی الهام بخشی انقلاب متناسب با آن نیز اتخاذ می‌گردد؛ برای نمونه، در دوران جنگ تحمیلی

که هویت انقلابی و اسلامی ایران اولویت دارد، الگوی الهام بخشی انقلاب نیز به صورت «اشاعه‌ی عملی حکومت اسلامی» تعیین گردید (فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۲۷-۱۲۶).

در مباحث مربوط به هویت و شخصیت ایرانی نیز روح فرهنگی و تمدنی ملت باستانی ایران و گفتمان انقلاب اسلامی حایز اهمیت می‌باشد که جمهوری اسلامی می‌تواند به نمایش و عرضه ارزش و خاصه‌های فرهنگی ایران و انقلاب اسلامی به عنوان ملتی متمدن و با فرهنگ سازنده بپردازد. نمایش و ترویج ارزش‌های فرهنگی مشترک ایران با ملت‌های منطقه خاورمیانه و تأثیرگذاری بر نخبگان علمی- فرهنگی کشورهای منطقه و همچنین فراهم ساختن بستر و زمینه لازم برای برقراری تماس با افکار عمومی این کشورها از جمله مواردی است که با به‌کارگیری هویت و تمدن ایرانی می‌تواند به الهام بخشی ایران کمک نمایند. به طور کلی، مؤلفه تمدن و فرهنگ ایرانی- اسلامی در ابعاد داخلی و خارجی حائز اهمیت می‌باشد. در بعد داخلی؛ هویت مشترک فرهنگی، زبانی و تمدنی موجب اتحاد در کشور شده و در بُعد خارجی نیز تقویت عناصر تمدن ایرانی همچون اسطوره‌ها، آئین‌های کهن، زبان و فرهنگ به‌ویژه در مناطقی که در حوزه تمدنی ایران قرار دارند می‌تواند موجب همبستگی بیشتر میان مردمان این مناطق شود. از جمله مهمترین آیین‌های ایرانی که برای برنامه‌ریزی در جهت تقویت وجهه ایرانی و قدرت نرم ایران در جهان مناسب است، نوروز است که اولین و مهمترین دستاورد، ثبت نوروز به عنوان میراث جهانی در یونسکو بود. یکی دیگر از مصادیق تمدن ایرانی به دستاوردهای تاریخی مربوط می‌شود (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۴ و حسینی، ۱۳۹۲: ۶۸۷). مردم‌سالاری دینی، از لایه‌های جدید فرهنگی هویت ملی ایران است که ایرانیان از زمان مشروطه با شکل جدید آن آشنایی یافته و با هویت خویش درآمیخته‌اند. این وضعیت می‌تواند نفوذ کلی ایران را در سطوح جهانی و منطقه‌ای افزایش داده و سطح قدرت نرم کشور را به شدت ارتقا بخشد. بنابراین، تقویت مؤلفه‌های جدید هویت ایرانی به‌ویژه اصل مردم‌سالاری دینی و استفاده از مزایای آن در کنار پاسداشت عناصر دینی، تاریخی و سنتی هویت ملی ایران، اثربخشی بیشتر قدرت نرم ایران را در پی خواهد داشت. بر این اساس با سرمایه‌گذاری جدی بر مؤلفه‌های هویت ایرانی، می‌توان سبک و سیاق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با هزینه کم و منافع بسیار بهبود بخشید (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

تقویت عناصر مقتدر هویت فرهنگی در ایران می‌تواند با توجه به فرصت‌های ایجاد شده بر اثر جهانی شدن و فرهنگ جهانی شده، راهکار مناسبی برای ارتقاء قدرت نرم ایران در صحنه‌های مختلف منطقه‌ای و جهانی باشد. بنابراین اگر جمهوری اسلامی بتواند از ظرفیت بسیار غنی دینی، فرهنگی، هنری و اجتماعی خود برای جلب توجه افکار عمومی جهان، به توانمندی ذاتی خود استفاده نماید، بهترین فرصت برای گسترش مؤلفه‌های قدرت نرم ایران فراهم خواهد شد. در این صورت فرصت‌سازی از مؤلفه‌های قدرت نرم می‌تواند به افزایش مشروعیت جمهوری اسلامی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی منجر گردد. از منظری دیگر، توانایی ایران در تولید ادبیات فراگفتمانی در حوزه‌های ایرانی- اسلامی با استفاده از هویت فرهنگی و الهام بخش ایرانیان، عنصر تعیین‌کننده در تولید قدرت نرم ایران است که از ثمرات آن افزایش

مشروعیت و کارآمدی جمهوری اسلامی نزد افکار عمومی در میان امت و کشورهای اسلامی است و عنصر مشروعیت نیز منجر به ظرفیت‌سازی نوین برای هویت فرهنگی کشور خواهد بود. از این رو درخشش ایران اسلامی در حوزه‌های ملی، منطقه‌ای، تمدنی و الهام بخشی مؤلفه‌های هویت اسلامی- ایرانی از جمله منابع قدرت نرم است که دافع توطئه‌ها و تهدیدات نرم خواهد بود (شعبانی، ۱۳۹۲: ۹۴-۹۳).

بین‌المللی	منطقه‌ای	ملی	سطوح قدرت نرم
			مؤلفه‌های هویت فرهنگی
به چالش کشیدن هژمونی فرهنگی غرب، گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌المللی بر اساس اصل نه شرقی نه غربی، پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی، شکل‌گیری فرهنگ مقاومت جهانی در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی، تقویت کفتمان نفی سلطه و عدالت خواهی، ارتقای فرهنگ جهاد، شهادت و منجی طلبی، رشد کفتمان معنوی و دینی در جهان	بازسازی تمدن اسلامی و احیای تاریخ تمدن و هویت فرهنگی، تاریخی و اسلامی، ارتقای بیداری اسلامی، مقبولیت و محبوبیت منطقه‌ای، احیای هویت جهان اسلام، جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم، ارتقای موقعیت ژئواستراتژیک ایران در منطقه، تلفیق فرهنگ عالی ایرانی اسلامی	رهبری فرهنگد و مقتدر، روح شهادت طلبی، زیر ساخت‌های فکری فرهنگی، تعمیق معرفت و بصیرت دینی آحاد جامعه، تقویت و تحکیم ارزش‌های اسلامی و اخلاقی، توسعه و تحکیم تفکر بسیجی، ارتقای نمادهای دینی، مشروعیت سیاسی اجتماعی، نظام مردم سالاری دینی، تشیع و عشق به اهلیت (ع)؛ انتظار منجی و مهدویت‌گرایی	اسلامیت
پیشینه تاریخی تمدنی، ترویج روحیه استقلال طلبی در میان مستضعفان، برخورداری از فرهنگ و ارزش‌های جهانی، فرهنگ عدالت خواهی، استقلال طلبی، آزادی خواهی، ظلم ستیزی، نیروی انسانی کارآمد، زبان و ادب فارسی، علوم ایرانی، هنر ایرانی، جاذبه‌های فرهنگی توریستی	محوریت ثبات منطقه‌ای، تحقیر رژیم صهیونیستی در منطقه، الگوی مقاومت بسیج، توسعه و تحکیم عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در منطقه، شکست طرح‌های استکباری در منطقه، تقویت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی.	وحدت و اعتماد ملی، سیاست فرهنگی، تقویت روحیه ملی، ارتقای مشروعیت مردمی نظام، ثبات سیاسی، آستانه تحمل بالای مردم، ارتقای نمادهای ملی، انسجام اجتماعی و همگرایی درونی، امنیت نرم، خط و زبان فارسی، آیین‌ها و سنن باستانی، اسطوره‌ها، دانش و آگاهی ملی	ایرانیت

نمودار مناسبات هویت فرهنگی با قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (شعبانی، ۱۳۹۲: ۹۲)

۵,۳. معنویت، فرهنگ و معارف دینی

معنویت و معارف دینی از مؤلفه‌های الهام بخشی هستند که در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه به آن اشاره شده است و یکی از موارد بیان شده در ذیل بند ۷۷ نیز «تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی» اسلامی است و براساس این موضوع، می‌توان با ارتقاء و ترویج مؤلفه‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، عمق استراتژیک را افزایش داده و الهام بخشی را به نحو بهتری انجام داد.

یکی از مهمترین منابع تأثیرگذار در حوزه‌ی قدرت نرم از نظر جوزف نای، فرهنگ، اعم از نوع عالی یا عامه‌ی آن است. این مهم توانایی‌های کشور در حوزه‌ی فیلم، موسیقی، انتشارات علمی آموزشی، مطبوعات و نیز خصلت‌هایی چون آزادمنشی، تساهل، تحرک و تنوع در فرهنگ عامه را دربر می‌گیرد. به نظر نای بخشی از موفقیت ایالات متحده در جنگ سرد در کنار موازنه‌ی نظامی و طرح کمک اقتصادی

مارشال، پذیرش فرهنگ عامه‌ی آمریکا در اروپای شرقی و شوروی بود. به اعتقاد جوزف نای، برتری در میان رده‌بندی‌های شاخص فرهنگ فقط برای ایجاد توانگری و ثروت نیست، بلکه به سبب شهرت و جذابیتی است که این توانگری ایجاد می‌کند (دانش نیا، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۳). براساس این منطق، وقتی فرهنگ یک کشور نیز ارزش‌های جهانی را شامل شود و بنیاد سیاست‌های آن را علائق و ارزش‌های مشترک جهانی شکل دهد، احتمال این که نتایج مطلوب با هزینه‌ی اندک و مبتنی بر قدرت نرم تحصیل شود، افزایش می‌یابد. افزایش این احتمال به خاطر رابطه‌ای است که چنین فرهنگی بین جاذبه‌ها و وظایف ایجاد می‌کند (قربانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶). البته نباید نادیده انگاشت که قدرت نرم صرفاً قدرت فرهنگی نبوده و در چنبره دولت محصور نیست (هرسیچ و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۱).

به اعتقاد جوزف نای، انتشار فرهنگ و معارف امریکایی مهمترین منبع قدرت نرم این کشور می‌باشد و فرهنگ امریکایی با ارزش‌هایی مانند دموکراسی و حقوق بشر جذابیتی جهان‌شمول دارد (نای، ۱۳۸۶: ۳۹). اما در نقطه مقابل فرهنگ غربی، آموزه‌ها و ارزش‌های دینی که هسته اصلی فرهنگ و هنجارهای فردی و اجتماعی ایرانیان را تشکیل می‌دهد، قرار دارد که مبتنی بر فطرت بوده و پایداری در خور توجهی در مقایسه با سایر منابع قدرت نرم دارند. از سوی دیگر، فرهنگ اسلامی، گزاره‌های ارزشی و هنجاری مشترکی میان ایران و بسیاری از جوامع و مردم در جهان اسلام پیش رو می‌نهد که می‌تواند زمینه مناسبی را برای درک متقابل و همبستگی با اهداف ایران فراهم می‌کند (کوشکی، ۱۳۹۳: ۸۴؛ درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۸). علاوه بر این،

«ایدئولوژی اسلامی به عنوان اصلی‌ترین منبع الهام بخشی و قدرت نرم انقلاب اسلامی، ذاتاً خصلت فرهنگی دارد و زبان مشترک مسلمانان جهان است که فراهم کننده‌ی همان ویژگی فراملی انقلاب ایران است و می‌تواند از این طریق با مسلمانان جهان ارتباط برقرار کند و ارزش‌های معنوی و دینی و سیاسی خود را به آنها منتقل کند. از این رو، انقلاب ایران به جای قائل شدن به صدور فیزیکی و خشونت آمیز انقلاب، بر عناصر فرهنگی و صدور ارزش‌های انقلاب تأکید دارد. صدور و الهام بخشی فرهنگی انقلاب در کشورهای مسلمان بر پایه مؤلفه‌های ایدئولوژی اسلامی و ترویج حضور معنویت در سیاست استوار است که ارزش‌های اسلامی و انسانی را مانند عدالت‌طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار، حمایت از مستضعفان و محرومان را از طریق آگاهی بخشی ملت‌های دیگر و آشنا کردن آنها به حقوقشان دنبال می‌کند» (ابوالفتحی و پیرمحمدی، ۱۳۹۳: ۴۱).

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی ایران، که در ارتباط مستقیم با مفهوم قدرت نرم و ظرفیت سازی‌های جدید از قدرت قرار دارد، احیای معنویت است که از منابع اصلی قدرت نرم به‌شمار می‌رود (رفیع، قربی و دانش، ۱۳۹۳: ۹). پیام احیا معنویت در انقلاب اسلامی، آن قدر برای جهانیان جذاب بوده که کسانی مانند فوکو، آن را به عنوان نیاز مبرم جهان غرب تهی شده از معنویت معرفی کرده‌اند. لاجرم، مهم‌ترین کانون تولید قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران، در دین و آموزه‌های آن نهفته بود که با خلاقیت امام خمینی(ره)، به عنوان موتور محرک انقلاب به کار گرفته شد. انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدا، به صراحت هدف خود را اجرای احکام و ارزش‌های اصیل اسلامی در تمام ابعاد حکومتی معرفی کرد

که دین و مذهب در کانون حرکت علیه نظام‌های استعماری قرار داشت (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۰). به تعبیر امام خمینی(ره)، «اسلام قدرتی دارد که خودش به‌پیش می‌رود و خودش مردم را و جناح‌های متدین را و جناح‌های مظلومین را بسیج می‌کند و ان شاء الله، با این قیام همگانی مستضعفین جهان فاتحه ابرقدرت‌ها خوانده خواهد شد. این‌ها از این می‌ترسند. این‌ها به ایران کار ندارند، به ملت ایران کار ندارند؛ این‌ها به اسلام کار دارند. ملت ایران چون سمبل اسلام است و با هدایت اسلام قیام کرده است و این قیام صادر شده است به کشورهای دیگر و هر یک از کشورها قیام کرده‌اند و درصدد قیام هستند و پشتیبانی می‌کنند از این قیام انسانی - اسلامی ایران، آنها خوف این را دارند که در منطقه، بلکه در همه جهان منافع خودشان را و سلطه خودشان را از دست بدهند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۳۱۵).

۶.۳. الهام بخشی علم و فناوری

براساس بند ۷۹ سیاست‌های کلی برنامه ششم، «گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام‌بخش در حوزه‌ی علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه جهان اسلام و توسعه‌ی تجارت و صادرات محصولات دانش‌بنیان» باید مورد توجه قرار گیرد و همین امر، زمینه‌های پیوند علم و فناوری با قدرت نرم را فراهم می‌آورد.

پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر قدرت نرم تأثیرگذار بوده است (Nye, 2007: 154) و به عبارتی، در عصر حاضر نیز دولت‌ها با شناخت منابع نوین تولید قدرت و ثروت در صدد پیشتازی در موج سوم تمدن بشری (انقلاب اطلاعاتی) برآمده‌اند. در این میان، اطلاعات و دانش به‌عنوان منابع جدید تولید قدرت و ثروت در دولت‌ها مورد توجه است، لذا توسعه منابع ارتباطی - اطلاعاتی برای دستیابی به قدرت نرم‌افزاری ضروری است (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۱). پس، قدرت برتر از آن جامعه‌ای است که بر منابع اطلاعاتی تسلط داشته باشد؛ زیرا اطلاعات و داده‌ها و استفاده مؤثر از آنها سبب دستیابی به علوم و فنون با استاندارد بالا می‌شود که این خود بر اقتدار و قدرت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی می‌افزاید و کشوری که از این امکان بهره جوید، قدرت رقابت با دیگر کشورهای جهان را به‌دست خواهد آورد (پور ایمان، ۱۳۷۸: ۱-۲). از این رو، یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم، تولید علم و دانش است؛ البته اسلام و جمهوری اسلامی ایران، علمی را مفید و با ارزش می‌داند که امور اخلاقی در آن لحاظ شده باشد. برخلاف گذشته، کشوری قوی‌تر است که از لحاظ تولید علم قدرتمندتر باشد. صرفاً داشتن منابع اولیه و جمعیت یا مساحت سرزمین باعث قدرتمندی یک کشور نمی‌شود. امروزه سلاح اصلی کشورها و زبان رقابت آن‌ها دانش است که در هیچ محدوده‌ی جغرافیایی محدود نمی‌شود. در نتیجه، دانش و تولید علم، بیانگر قدرت نرم یک کشور است (جعفری پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

مقوله‌ی علم و فناوری از مهم‌ترین زیرساخت‌های پیشرفت کشور و ابزار جدی رقابت در عرصه‌های مختلف است. به این ترتیب تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران نظیر احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو پیشرفتی همه‌جانبه در علم است؛ علمی که دارای سه شاخصه‌ی عدالت، معنویت و عقلانیت

است. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه‌ی راهی است که در آن نحوه‌ی طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات طی این مسیر به طور شفاف و دقیق مشخص شده باشد. به این ترتیب لازم است چشم‌انداز و راهبردهای علم و فناوری در سطوح کلان و عملیاتی‌تر نظیر برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی کشور، تدوین شود. از این رو، در ترسیم این نقشه کوشش شده، تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین استخراج‌شده و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز علم و فناوری در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ارائه و تدوین شود. در این چشم‌انداز، «جمهوری اسلامی ایران با اتکال به قدرت لایزال الهی و با احیای فرهنگ و برپایی تمدن نوین اسلامی-ایرانی برای پیشرفت ملی، گسترش عدالت و الهام بخشی در جهان، کشوری برخوردار از انسان‌های صالح، فرهیخته، سالم و تربیت‌شده در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندانی در تراز برترین‌های جهان؛ توانا در تولید و توسعه‌ی علم، فناوری و نوآوری و به‌کارگیری دستاوردهای آن و پیشتاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان» خواهد بود (نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹: ۶-۵).

بر اساس سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، نظام جمهوری اسلامی ایران باید الهام بخش جهان اسلام باشد. در این رابطه، توجه به تأثیر «دیپلماسی علم و فناوری» (میرحسینی و محمدی، ۱۳۹۳) حایز اهمیت است. پیشرفت‌های علم و فناوری کشور منبعی برای الهام بخشی در جهان به خصوص در جهان اسلام است. نماد پیشرفت در دنیا را برای یک کشور، پیشرفت‌های علم و فناوری می‌باشد و این موضوع بسیار بیشتر از رشد اقتصاد اهمیت دارد. به عبارتی، تبلور پیشرفت در دنیا نیز علم و فناوری می‌باشد که به دلیل روح حاکم بر نظام اسلامی، باید در جهت تعالی به کار گرفته شوند. با توجه به مفهوم قدرت نرم و الهام بخش بودن در جهان اسلام که یکی از اهداف سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه به شمار می‌آید، می‌توان گفت زمانی که یک کشور منابع قدرت نرم را در اختیار داشته باشد و به درستی از آنها در راستای اهداف سیاست خارجی خود استفاده کند، نتیجه‌اش الهام بخش بودن برای سایر کشورها خواهد بود. به خصوص با توجه به شرایط خاص جمهوری اسلامی ایران که بعد از انقلاب اسلامی به شدت تحت فشار نظام سلطه قرار داشته و دارد، خود انقلاب اسلامی نوعی الهام بخشی در جهان اسلام و جهان سوم بود، یعنی وقوع انقلابی که به شرق و به غرب هیچ‌گونه وابستگی نداشت، آن هم در زمانی که پارادایم حاکم بر وضعیت جهان دوقطبی بود. استقامت و پیشرفت انقلاب اسلامی نیز بر الهام بخشی آن می‌افزاید. پیشرفت در علم و فناوری نیز به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در اذهان مردم دارد، اثر مضاعفی در الهام بخش بودن خواهد داشت (واعظی، ۱۳۹۱: ۱).

«مصادیق علم و فناوری در سند‌های بالادستی آمده است. بحث تعامل با جامعه جهانی خصوصاً جهان اسلام و الگوسازی که کشور می‌خواهد در جهان اسلام انجام دهد یکی از مصادقات‌های آن می‌تواند توسعه علم و فناوری باشد. یعنی در جهان اسلام علاوه بر مباحث فرهنگی، در مباحث توسعه علم و فناوری می‌توانیم الگو و الهام بخش باشیم. به عنوان مثال، در بیوتکنولوژی، نانو تکنولوژی و فناوری

اطلاعات و ارتباطات در حوزه جهان اسلام پیشرو هستیم و می‌توانیم الهام بخش باشیم.» (گروه مطالعات دیپلماسی ایران، ۱۳۹۴: ۶-۵)

انقلاب اسلامی ایران توجه به نوآوری و نواندیشی را در صدر اولویتهای خود قرار داد و این حرکت و نهضت تأثیر مستقیمی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران داشته است و مبتنی بر مؤلفه‌های زیر می‌باشد:

ایجاد فرهنگ تولید علم، ارتقای قدرت علمی و جرأت علمی، پرورش و شکوفایی استعدادها، نفی الگوپذیری تقلیدی از فرهنگ غرب، ایجاد تحولات و پیشرفت‌های علمی در چارچوب ارزش‌های دین‌مدار، ارتقای روحیه‌ی خودباوری، اتکاء به نفس، اندیشه و اراده‌ی خودی، استفاده از ظرفیت‌های علمی بومی، تقویت بنیه‌ی پژوهش کشور، تعالی و رشد اقتصادی و علمی کشور با هویت بخشیدن به مراکز علمی، پیوند مفاهیم و اخلاق دینی با علم روز، ایجاد خلاقیت و نوآوری علمی، اهتمام به فراگیری علم و دانش با ارتقای ایمان و معنویت، عنایت به آزاداندیشی، دین‌باوری و نواندیشی دینی، و نفی تحجر و تفکر و فرهنگ وارداتی غرب، هوشیاری در برابر تئوری‌های وارداتی، نفی تفکر تقلیدی و تبعی و اهتمام به فکر استقلالی به منظور پرهیز از انفعال و مجذوبیت و مبهوت بودن در برابر تحلیل‌های بیگانه، اهتمام به تولید علم و بومی کردن آن بر مبنای فرهنگ ملی و ارتقای توسعه انسانی، گسترش و اعتلای جنبش نرم‌افزاری در حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی بر اساس اصول و ارزش‌های ایران اسلامی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه و اعتلای فعالیت‌های تحقیقاتی پیرامون نوآوری و دستیابی به فناوری‌های نوین، برپایی نهضت تئوری پردازی و نظریه‌سازی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، نوآوری در دانش موجود بشری برای تولید علم در حوزه‌های مورد نیاز، آموزش خلاقیت و نوآوری به جوانان و تشویق نخبگان به توسعه فعالیت‌های علمی روزآمد و مبتکرانه، ظرفیت‌سازی، سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیت‌های کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان و افزایش شاخص‌های مشارکت در تولید علم و فناوری به‌ویژه توجه فزاینده به موفقیت نخبگان ایران در المپیادهای علمی جهان (دهشیری، ۱۳۸۷: ۶۸-۷۱).

نتیجه گیری

این مقاله تلاشی در راستای شناسایی مؤلفه‌های الهام بخشی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام بود که برای این منظور، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه از منظر تأثیر مؤلفه‌های الهام بخش بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی و بررسی قرار گرفت و یافته‌های مقاله حاکی از این هستند که: اولاً: الهام بخشی و صدور فرهنگی به مثابه ابزارهای مهمی برای ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند که ناظر بر ترویج و اشاعه آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی در سایر کشورهای منطقه هستند و برای تحصیل چنین هدفی، از ابزارها و شیوه‌های مسالمت‌آمیز و فرهنگی (نرم‌افزاری) استفاده

می‌گردد. ثانیاً؛ ژئوپلیتیک الهام بخشی جمهوری اسلامی ایران براساس سیاست های کلی برنامه ششم توسعه شامل منطقه آسیای جنوب غربی و جهان اسلام می‌باشد که از طریق دیپلماسی عمومی و نوین و سیاست خارجی همگرا و پویا در این مناطق پیگیری می‌شود. ثالثاً؛ یکی از مهمترین مؤلفه‌های دفاعی و امنیتی در سیاست های برنامه ششم توسعه، ارتقاء ظرفیت قدرت نرم جامعه ایرانی در افق ترسیم شده است که از الهام بخشی به‌عنوان یکی از راهبردهای تحقق این مهم یاد شده است که از جمله مؤلفه‌های این راهبرد می‌توان به، توسعه دانایی محور، ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، حفظ و افزودن دستاورد های سیاسی جمهوری اسلامی ایران در آسیای جنوب غربی، ترویج و ارائه سبک زندگی اسلامی- ایرانی، اشاعه فرهنگ، معنویت و معارف دینی، توسعه هویت اسلامی- ایرانی، الهام بخشی علم و فناوری اشاره کرد که بسترهای کارآمدی و مشروعیت قدرت نرم ایران را فراهم می‌نمایند و از این طریق، دستیابی به اهداف سیاست خارجی، اقتدار و پرستیژ بین‌المللی، همراهی افکار عمومی بین‌المللی با سیاست‌های ایران در منطقه و جهان به ارمغان خواهد آمد. رابعاً؛ الهام بخشی جمهوری اسلامی ایران برخلاف رویکردهای غربی نسبت به قدرت، ناشی از تأثیرگذاری بر قلب‌ها می‌باشد و برآمده از عنصر معنویت و فرهنگ اسلام ناب محمدی(ص) هستند و بر همین اساس، الهام بخشی ایران و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با فطرت انسانی نزدیکی زیادی دارد؛ به این معنا که با امیال و خواسته‌های فطری انسان‌ها ارتباط دارد. خامساً؛ در میان مؤلفه‌های الهام بخشی جمهوری اسلامی، ایدئولوژی اسلامی از بیشترین جذابیت و کارآمدی در بازتولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارد و به‌عنوان یکی از عناصر فراملی الهام بخشی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

منابع

- ابوالفتحی، محمد و سعید پیرمحمدی (۱۳۹۳)، تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه، *سیاست دفاعی*، سال بیست و دوم، بهار، شماره ۸۶.
- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۲)، *انقلاب اسلامی ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- امام خمینی (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ چهارم.
- بهشتی، سیدعلیرضا (۱۳۹۳)، حقوق بشر در بستر گفت‌وگوهای میان فرهنگی، نسبی‌گرایی فرهنگی و سازوکار امر عقلایی، *مطالعات راهبردی جهانی شدن*، سال پنجم، زمستان، شماره ۱۷.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، مبانی معرفت‌شناختی انقلاب اسلامی ایران و فرایند جهانی شدن، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هفتم، بهار، شماره ۲۰.
- پورایمان، علی اکبر (۱۳۷۸)، *سیمای رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در آفرینای سیاه*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- جعفری پناه، مهدی و منصور میراحمدی (۱۳۹۱)، مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اسلامی، معرفت سیاسی، سال چهارم، پائیز و زمستان، شماره ۲.
- جمالزاده، ناصر (۱۳۹۱)، قدرت نرم انقلاب اسلامی و نظریه صدور فرهنگی انقلاب، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره اول، پائیز، شماره ۴.
- جمشیدی، محمدحسین و رسول محمدی گهرویی (۱۳۹۳)، جمهوری اسلامی ایران و عراق نوین، تبیین بر کاربرد قدرت نرم در عراق نوین در راستای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی جهان اسلام، دوره اول، بهار و تابستان، شماره ۴.
- جمشیدی، محمد (۱۳۹۱)، مواجهه گفتمانی ایران و آمریکا، از بیداری اسلامی تا جنبش وال استریت، مطالعات جهان، دوره اول، بهار، شماره ۳.
- جهان بین، فرزاد و مونا پارسا (۱۳۹۲)، راهبردهای ارتقا قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام براساس مدل SWTO، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره دوم، تابستان، شماره ۵ و ۶.
- جهانگیری، یحیی (۱۳۹۴)، مفهوم شناسی تئوری صدور انقلاب در قاموس فکری امام و رهبری، روزنامه کیهان، ۶ تیرماه، شماره ۲۱۰۹۲.
- خانمی، محمدرضا (۱۳۹۲)، بررسی الگوپذیری خیزش‌های جدید خاورمیانه و شمال آفریقا مدل انقلاب اسلامی یا مدل امریکایی، جستارهای سیاسی معاصر، دوره چهارم، زمستان، شماره ۱۰.
- حافظ نیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی و پیدایش ژئوپلیتیک جدید ایران، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، زمستان، شماره ۵.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۹۰)، الگوی مردم سالاری دینی و نسبت آن با بیداری اسلامی، جستارهای سیاسی معاصر، سال دوم، پائیز و زمستان، شماره ۲.
- حسینی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۲)، جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، پائیز، شماره ۳.
- حق پناه، جعفر و دیگران (۱۳۹۳)، قدرت نرم ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۴)، مصاحبه تحلیل مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی، جشنواره فرهنگی دانشجویی جمهوری اسلامی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- خواجه سروی، غلامرضا و جواد طباحی (۱۳۹۲)، جهانی‌شدن سبک زندگی و تقاضای دگرگونی سیاسی، مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره چهارم، بهار، شماره ۱۰.
- داداندیش، پروین و افسانه احدی (۱۳۹۰)، جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، روابط خارجی، سال سوم، بهار، شماره ۹.
- دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۲)، قبض و بسط مفهوم قدرت در سامان فکری جوزف نای، جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، پائیز، شماره ۳.
- درخشه، جلال و مصطفی غفاری (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، دوره دوازدهم، زمستان، شماره ۴۸.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۷)، جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی، فصلنامه حضور، تابستان، شماره ۵۷.

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۸)، الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم، دانش سیاسی، دوره پنجم، زمستان، شماره ۱۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۹)، *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۴)، گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، معرفت سیاسی، سال اول، بهار و تابستان، شماره ۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۴)، *تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مؤسسه ایران.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، زمستان، شماره ۴.
- رحمانی، هما (۱۳۹۳)، نشانه‌های الهام بخشی در رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، دوره ۴۴، پائیز، شماره ۳.
- رفیع، حسین، سیدمحمدجواد قربی و حسین دانش (۱۳۹۳)، منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، پائیز، شماره ۳۸.
- رنجبران، داود (۱۳۸۸)، *جنگ نرم*، تهران: انتشارات ساحل اندیشه.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۵)، *تحول گفتمانی قدرت*، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، سال اول، تابستان، شماره ۱.
- سالار، محمد (۱۳۸۲)، *انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی*، اندیشه انقلاب اسلامی، بهار، شماره ۵.
- ستوده، محمد (۱۳۸۵)، *تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم: بوستان کتاب.
- سعیدی، روح الامین (۱۳۹۳)، *دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی لبنان*، تهران: ابرار معاصر.
- سلطانی فر، احسان و طاهر روشندل (۱۳۹۰)، مدل مفهومی تبیین گفتمان حاکمیت، مردم و رسانه با رویکرد پدافند غیر عامل، رسانه و فرهنگ، سال اول، پائیز و زمستان، شماره ۲.
- سنجابی شیرازی، جهانبخش (۱۳۸۹)، مفهوم شناسی و تبارشناسی قدرت و جنگ نرم: اصول و روش‌های رویارویی با آن در منابع علمی، رهنامه سیاستگذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی، سال اول، زمستان، شماره ۲.
- سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴)، ابلاغیه فرماندهی کل قوا به قوای سه گانه.
- سیف، اله مراد و دیگران (۱۳۹۲)، مفهوم شناسی قدرت نرم اقتصادی: توسعه نظریه قدرت نرم متعارف در حوزه اقتصاد، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، بهار، شماره ۵۸.
- سیف، اله مراد (۱۳۹۰)، مفهوم شناسی قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، آفاق امنیت، سال ۴، تابستان، شماره ۱۱.
- سیمبر، رضا (۱۳۹۳)، *اشاعه فرهنگی انقلاب در دیپلماسی عمومی*، خبرنامه صبح صادق، ۲۵ بهمن ماه.
- شجاعی، هادی و دیگران (۱۳۹۳)، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران در برجسته شدن موضوع قدرت نرم در روابط بین‌الملل*، ماهنامه معرفت، سال بیست و سوم، مرداد، شماره ۲۰۰.

- شعبانی، رمضان (۱۳۹۲)، قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال سوم، پائیز و زمستان، شماره ۹.
- شهرام نیا، امیرمسعود و دیگران (۱۳۹۱)، واکاوی مفهومی قدرت نرم و راهکار (فرصت)های ایران در قبال آن، دانش سیاسی و بین‌الملل، سال اول، پاییز، شماره ۳.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹)، *نقشه جامع علمی کشور*، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- صیوری، ضیاءالدین (۱۳۹۰)، *قدرت نرم آمریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- عطایی، فرهاد و مهدی هدایتی (۱۳۹۲)، روند تحول قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره نوزدهم، زمستان، شماره ۸۴.
- علوی، حسین (۱۳۹۰)، *جهاد اقتصادی و قدرت نرم: نقش جهاد اقتصادی در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، بیست و چهارم خرداد ماه.
- علی‌پور، جواد (۱۳۸۷)، *قدرت نرم در سیاست خارجی کلینتون و بوش: مطالعه تطبیقی در مورد عراق*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات آمریکای شمالی، تهران: دانشگاه تهران.
- علیزاده، محمد و مژگان احمدزور (۱۳۹۰)، *جهانی شدن فرهنگی و قدرت نرم: ضرورت سیاستگذاری جدید با رویکرد نرم‌افزاری*، مطالعات قدرت نرم، سال اول، پائیز، پیش شماره ۳.
- عیوضی، محمدرحیم و مونا پارسا (۱۳۹۲)، *الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین‌الملل*، مطالعات قدرت نرم، سال سوم، پائیز و زمستان، شماره ۹.
- فرهادیان، محمدحسین (۱۳۹۲)، *انتخابات و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*، اندیشکده راهبردی تبیین.
- قربانی، ارسلان و دیگران (۱۳۹۰)، *قابلیت‌های سرمایه اجتماعی در شکل دهی به قدرت نرم*، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، پائیز، شماره ۲۷.
- قربانی، ارسلان و دیگران (۱۳۹۰)، *قدرت هوشمند: تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن*، روابط خارجی، دوره سوم، زمستان، شماره ۱۲.
- قربی، سیدمحمدجواد و صدرالدین موسوی (۱۳۹۲)، *الهام بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴*، فصلنامه قدرت نرم، پائیز و زمستان، شماره ۹.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۰)، *قدرت نرم و گفتمان اسلامی قدرت*، هفته‌نامه پگاه حوزه، بهمن ماه، شماره ۳۱۹.
- قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۹)، *تقدم الهام بخشی بر قدرت نرم در سیاست‌های کلان ج.ا.ایران در جهان اسلام*، راهبرد دفاعی، سال هشتم، بهار، شماره ۲۸.
- کتولی، نجیبه (۱۳۹۲)، *تقابل قدرت نرم ایران و آمریکا بعد از حوادث یازده سپتامبر در منطقه خاورمیانه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- کوشکی، محمدصادق و دیگران (۱۳۹۳)، *چشم‌اندازی بر تأثیرات مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی بحرین*، مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، زمستان، شماره ۳۹.
- گروه مطالعات دیپلماسی ایران (۱۳۹۴)، *گفتاری در باب دیپلماسی علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران*، تهران: گروه مطالعات دیپلماسی ایران.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، *جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم*، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

- متقی، ابراهیم و افسانه رشاد (۱۳۹۰)، نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه، راهبرد دفاعی، سال نهم، تابستان، شماره ۳۳.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۵)، ام‌القرای اسلامی و صدور انقلاب، همشهری دیپلماتیک، بهمن ماه، شماره ۱۱.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۱)، روند تحول قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا، تهران: نشر ساقی.
- ملک زاده، محمد (۱۳۹۳)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در برابر غرب، پایان نامه دکتری معارف اسلامی، قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- میرحسینی، سیدعبدالحمید و حسین محمدی دوستدار (۱۳۹۳)، دیپلماسی علمی به مثابه قدرت نرم، فصلنامه قدرت نرم، سال چهارم، پائیز و زمستان، شماره ۱۱.
- نادری و ابوالقاسمی (۱۳۸۵)، الهام بخشی سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، مرکز پژوهشی توسعه فرهنگ دینی جهان معاصر.
- نادری، مهدی و اصغر آقامهدوی (۱۳۹۰)، کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکردی قرآنی، دانش سیاسی، دوره هفتم، پائیز و زمستان، شماره ۱۴.
- نای، جوزف (۱۳۸۶)، منابع قدرت نرم، مطالعات بسیج، ترجمه‌ی ناصر بلیغ، سال دهم، پائیز، شماره ۳۶.
- هرسیج، حسین و دیگران (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، بهار، شماره ۲.
- هرسیج، حسین و دیگران (۱۳۹۱)، تأثیر جنبش‌های اسلامی-مردمی سال ۲۰۱۱ بر منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در خاورمیانه، مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، پائیز، شماره ۳۰.
- هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۹)، تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، بهار، شماره ۹.
- هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۹)، تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، بهار، شماره ۹.
- هرسیج، حسین (۱۳۹۰)، تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم، سال اول، پائیز، پیش شماره ۳.
- واعظی، محمود (۱۳۹۱)، اثر مضاعف علم و فناوری در الهام بخشی، پرتال دیپلماسی علم و فناوری، بهمن ماه.
- یزدانی، عنایت‌الله و رویا نژاد زندیه (۱۳۹۲)، کاربرد دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره دوم، تابستان، شماره ۷.
- یعقوبی، سعید (۱۳۸۸)، سیاست‌گذاری در دولت مجازی، اقتدار و قدرت ملی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات ایران و سیاست‌گذاری عمومی، تهران: دانشگاه تهران.
- یوسفی، جعفر (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی قدرت نرم در گفتمان‌های اسلامی و لیبرال دموکراسی، در قدرت نرم، جلد اول، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- Baldwin, David (2002), *Power and International Relation*, in Handbook of International Relations, Walter Carlsnaes et.al, London: SAGE.
- Chorin, Ethan and Haim Malka (2008), *Iran's Soft Power Create Hard Realities*, Center for Strategic & International Studies (CSIS), Middle East Program, April.

- Esposito, John (1991), *The Islamic Threat: Myth or Reality*, Oxford, Oxford University Press.
- Friedman, Thomas L (2005), *The World Is Flat: A Brief History of the Twenty-first Century*, New York, Farrar, Straus and Giroux.
- Ikenberry, John (2011), The Future of Power, In This Review, Foreign Affairs, March/April, Volume 90, Number 2.
- Keohane, Robert and Joseph Nye (1998), Power and Interdependence in Information Age, Foreign Affairs, Vol. 77, No. 5.
- Nye, Joseph (2002), The Information Revolution and American soft power, asia pacific review.vol.9, no1.
- Nye, Joseph (2007), Notes for a Soft Power Research Agenda, in Power in Politics, London and New York, Routledge.
- Nye, Joseph (2011), *The Future of power*, United States, public affairs.
- Sharp, Paul (2005), Revolutionary States, Outlaw Regimes and the Techniques of Public Diplomac, The New Public Diplomacy Soft Power in International Relations, Edited by Jan Melissen, Hampshire, Palgrave
- Vasquez, John (1998), *The Power of Power Politics: from Classical Realism to Neo Traditionalism*, Cambridge: Cambridge University Press.